Audit Organization

Applied Research in Financial Reporting

Print ISSN: 2345-3125
Online ISSN: 3134-0768

Designing a Model for Representing Paranoid Reporting and Evaluating Emerging Contexts

Jahanbakhsh Mohammadi
Department of Accounting, Shk.c., Islamic Azad University. Shahrekord, Iran. Email: j.mohammadi2858@iau.ir

Hamidreza Jafaridehkordi
∗Corresponding Author, Department of Accounting, Shk.c., Islamic Azad University. Shahrekord, Iran. Email: hamid1355@ iau.ac.ir

Bahareh Banitalebi Dehkordi
Department of Accounting, Shk.c., Islamic Azad University. Shahrekord, Iran. Email: ba.banitalebidehkordi@ iau.ac.ir

Abstract

The level of development of theoretical approaches in financial knowledge and reporting is changing rapidly under the influence of increasing social changes, which have led to the formation of broader expectations regarding the information needs of stakeholders. Paranoid reporting, as one of the phenomena arising from these developments, seeks to represent the reality of performance levels without the expedient conservatism of corporate executives. The aim of this paper is to design a model for the representation of paranoid reporting and to evaluate the emerged contexts. This study is classified as exploratory research that attempts to represent the emerging aspects of paranoid reporting in the form of a theoretical model and, through a matrix-based approach, evaluate the core dimensions of this phenomenon in the context of business corporations. For this reason, in terms of data collection method, this study is placed in the category of mixed-method research. The participants in this study in the qualitative phase consist of experts knowledgeable about the nature of the phenomenon, and in the quantitative phase of the study, a range of financial managers and chief accountants of business corporations listed on the stock exchange

participated. The results of the study, based on the interview processes, indicated the identification of 293 open codes, 39 conceptual themes, 6 core components, and 3 structural categories. In the quantitative phase of the study, it was also found that the core component of disclosing risk-taking contexts, due to the total matrix scores, is considered the most central dimension of the representation of paranoid reporting in business corporations.

Keywords: Paranoid Reporting, Matrix Evaluation, Procedural Normativism of Disclosure.

Citation: Mohammadi, J., Jafaridehkordi, H. & Banitalebi Dehkordi, B. (2026) Designing a Model for Representing Paranoid Reporting and Evaluating Emerging Contexts. Applied Research in Financial Reporting, 15(1), 1-41. [In Persian].

Applied Research in Financial Reporting, 2026, Vol. 15, No. 1, pp.1-41.
Publisher: Audit Organization Received: 14 Apr 2025
Article Type: Research Paper Accepted: 19 Aug 2026
Doi: 10.22034/arfr.2026.516935.2141

سازمان حسابرسی
پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی
شاپا چاپی: ۳۱۲۵ ـ ۲۳۴۵
شاپا الکترونیکی: ۰۷۶۸ ـ ۳۱۳۴

طراحی الگوی بازنمایی گزارشگری پارانوئید و ارزیابی زمینه‌های پدیدار شده

جهانبخش محمدی
گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. رایانامه : j.mohammadi2858@iau.ir

حمیدرضا جعفری دهکردی
* نویسنده مسئول، گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. رایانامه :hamid1355@ iau.ac.ir

بهاره بنی‌طالبی دهکردی
گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. رایانامه : ba.banitalebidehkordi@ iau.ac.ir

چکیده

سطح توسعه رویکردهای نظری دانش مالی و گزارشگری تحت تأثیر تغییرات فزاینده اجتماعی که به شکل‌گیری انتظارات گسترده‌تری از نیازهای اطلاعاتی ذینفعان منتج شده است، به‌سرعت در حال تغییر می‌باشد. گزارشگری پارانوئید به‌عنوان یکی از پدیده‌های منبعث از این تحولات، به دنبال بازنمایی سطح واقعیت‌های عملکردی بدون محافظه‌کاری‌های مصلحت اندیشانه متصدیان شرکت‌ها می‌باشد. هدف این مطالعه، طراحی الگوی بازنمایی گزارشگری پارانوئید و ارزیابی زمینه‌های پدیدار شده می‌باشد. این مطالعه در زمره پژوهش‌های اکتشافی است که تلاش دارد تا جنبه‌های نوظهور گزارشگری پارانوئید را در قالب یک الگوی نظری بازنمایی کند و از طریق مبنای ماتریسی، نسبت به

ارزیابی ابعاد محوری این پدیده در بستر شرکت‌های تجاری نماید. به همین دلیل از منظر نوع جمع‌آوری داده نیز این مطالعه در دسته پژوهش‌های آمیخته جایگذاری می‌شود. مشارکت‌کنندگان این مطالعه را در فاز کیفی، خبرگان دارای شناخت از ماهیت پدیده تشکیل می‌دهند و در فاز کمّی مطالعه نیز طیفی از مدیران مالی و روسای حسابداری شرکت‌های تجاری در بورس اوراق بهادار اقدام به مشارکت نمودند. نتایج مطالعه بر اساس طی فرآیندهای مصاحبه حکایت از تعیین ۲۹۳ کد باز، ۳۹ مضمون مفهومی، ۶ مؤلفه محوری و ۳ مقوله سازه‌ای دارد و در فاز کمی مطالعه نیز مشخص شد، مؤلفه محوری افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری به دلیل مجموع امتیازهای ماتریسی، محوری‌ترین بُعدِ بازنمایی گزارشگری پارائونید در سطح شرکت‌های تجاری تلقی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری پارانوئید، ارزیابی ماتریسی، هنجارگرایی رویه افشا.

استناد: محمدی، جهانبخش؛ جعفری دهکردی، حمید رضا؛ بنی طالبی دهکردی، بهاره(۱۴۰۴). طراحی الگوی بازنمایی گزارشگری پارانوئید و ارزیابی زمینه‌های پدیدار شده. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی،۱۵(۱)، صص۱-۴۱.

پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۴۰۵، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۱-۴۱.

ناشر: سازمان حسابرسی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

نوع مقاله: علمی پژوهشی تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۸

Doi: 10.22034/arfr.2026.516935.2141

مقدمه

انگیزه‌های شرکت‌ها در ارائه اطلاعات همواره فراتر از استانداردها و الزامات نهادی، به چشم‌اندازهای آنان از انتظارات خود در بازار در کنار سایر ویژگی‌های اخلاقی مثل فرصت‌طلبی‌ها و منفعت‌طلبی‌ها وابسته است (هو و همکاران[۱]، ۲۰۲۳). این مسئله باعث می‌گردد تا کارکردهای گزارشگری مالی شرکت‌ها الزاماً از یک فرآیند یا شیوه منحصربه‌فردی پیروی نکند که زمینه برای تعارض بین شرکت‌ها با سهامداران می‌تواند در همین نقطه شکل گیرد یا از شکاف عمیق‌تری برخوردار گردد (جولیائوروسی و همکاران[۲]، ۲۰۲۳). به‌عبارت‌دیگر فقدان شیوه‌های مشخصی از به‌کارگیری رویه‌های حسابداری برای افشاء اطلاعات باعث گردیده است تا تصمیم‌گیری‌های مالی سهامداران و سرمایه‌گذاران تحت تأثیر فشارهای جمعی مثل توده‌واری رفتار، به وجود بیایید (رستمی و همکاران، ۱۴۰۱). ازاین‌رو انتخاب شیوه‌های گزارشگری که بتواند از بروز ناهنجارهای احتمالی در بازار سرمایه جلوگیری کند ضروری به نظر می‌رسد.

گزارشگری پارانوئید یکی از شیوه‌های گزارشگری است که به‌عنوان یک چشم‌انداز آتی در افشاء اطلاعات، توسط نظریه‌های مدرن حسابداری مدیریت مورد تأکید قرارگرفته تا بتولند همان‌طور که توضیح داده شد از ناهنجارهای احتمالی در ادراک منسجم از واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها جلوگیری کند. این شیوه از گزارشگری که در بیانیه‌های چارچوب مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری مالی ایالات‌متحده[۳] (FASB) و هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری[۴] (IASB) به شکل توسعه‌ی متوازن افشاء اطلاعات مورداشاره قرارگرفته است و اشاعه بخشی از عملکردهای واقع‌گرایانه انعکاس اطلاعات را در بر می‌گیرد، می‌تواند ضمن تقارن بیشتر اطلاعات، امکان درک واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها برای تنظیم انتظارات از بازده و ریسک‌های سرمایه‌گذاری در تشکیل پرتفوی سبد سهام را توسعه بخشد (پاور[۵]، ۲۰۱۰). لذا همان‌طور که رادرفورد[۶] (۲۰۲۲) اشاره نمود، سبک گزارشگری پارانوئید ترکیبی از نظریه‌های علوم اجتماعی؛ سیاسی و اقتصادی است که رویه افشاء اطلاعات به زبان یا لحن بدبینانه را توسعه می‌بخشد تا از این طریق مانع از وقوع نابه هنجاری در بازار سرمایه گردد.

در این شیوه از افشای اطلاعات، رویه‌های حسابداری با تمرکز بر انعکاس جنبه‌های منفی عملکردهای مالی خود در کنار سایر رویدادهای مالی، تلاش دارند تا مانع از عمیق‌تر شدن شکاف بین بازده مورد انتظار با بازده واقعی شرکت‌ها در آینده شوند و از این طریق احتمال

ریسک آتی سقوط قیمت سهام را کاهش دهند (میرزائی و همکاران، ۱۳۹۹). پلگر[۷] (۲۰۱۶) با ارجاع به رویکردهای هیئت استانداردهای حسابداری مالی ایالات‌متحده و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی شکاف موجود در گزارشگری را از طریق ارزیابی انتقادی مورد کنکاش قرار داد و اذعان نمود، نیاز به افشاء اطلاعات فراگیرتر توسط شرکت‌ها برای ذینفعان بیش از گذشته، امروزه به یکی از ارکان کارکردی برای تصمیم‌گیری بدل شده است و می‌بایست شیوه‌های سنتی افشاء اطلاعات تغییر یابد. پاور (۲۰۱۰) نیز ارزش منصفانه در افشاء اطلاعات را عاملی برای تغییر پارادایمی گزارشگری مالی معرفی می‌کند و تمرکز بر بهبود مقایسه پذیری صورت‌های مالی را در تعامل‌پذیری بیشتر بین شرکت‌ها با ذینفعان ضرورتی تلقی می‌کند. لذا مسئله پارانوئید در گزارشگری مالی که از شکاف بین شیوه‌های افشاء اطلاعات حاصل‌شده است، باعث می‌گردد تا همان‌طور که مونیسا[۸] (۲۰۲۲) مطرح نمود، مبنایی برای کاهش شکاف هزینه‌های نمایندگی تلقی گردد. بکمن و دی‌لیئو[۹] (۲۰۲۱) با استفاده از مفهوم پارانوئید در علم سیاست، به‌عنوان یکی از آغازین حرکت‌های نظری مبنی بر تغییر پارادایم‌های گزارشگری، اذعان می‌نمایند که زبان و لحن تعاملات دیپلماتیک، می‌تولند سر منشأیی مبتنی بر ضمایم پارانوئید داشته باشد تا حدی که به‌عنوان یک ابزار تشخیصی می‌تواند در بیانیه‌های سیاسی، حاوی سیگنال‌هایی برای ذینفعان یا طرفین یک مذاکره تلقی شود. لذا همان‌طور که مشاهده می‌شود، به‌کارگیری پارانوئید در ارتباطات، اگرچه حاوی لحنی تند و منفی می‌باشد اما می‌تواند در تفسیر شفاف از واقعیت‌های ادراکی طرف مقابل، در ارتباط به‌حساب بیایید. بر این مبنا، کارکردهای پارانوئید را می‌بایست همچون شمشیر دو لبه‌ای تلقی نمود که اگرچه حاوی محدودیت‌هایی به لحاظ انقطاعِ ارتباطِ بین طرفین در ظاهر نمایان می‌نماید، اما پیام‌های مبتنی بر پارانوئید، حاوی زمینه‌های از شناخت بهتر از رویکردهای قابل انعکاس می‌باشد.

اولاً، به لحاظ تئوریک، انجام این مطالعه به دلیل اینکه هیچ مطالعه‌ای در گذشته مستقیماً موضوع گزارشگری پارانوئید را مورد کنکاش قرار نداده است، دست‌اول تلقی می‌شود و می‌تواند به توسعه‌ی ارزش‌های علمی دانش حسابداری در آینده کمک نماید و زمینه‌ساز بروز تئوری‌های وابسته در این عرصه گردد. اگرچه مطالعه‌هایی همچون رادرفورد[۱۰] (۲۰۲۳)؛ فان و همکاران[۱۱] (۲۰۲۲) و مونیسا[۱۲] (۲۰۲۲) تلاش نمودند تا در راستای یک روش‌شناسی موردی نسبت به مفهوم‌سازی این شیوه‌ی گزارشگری مالی اقدام نمایند، اما مرور این دست از پژوهش‌ها نشان می‌دهد هیچ چارچوب نظری منسجمی برای بسط آن به کارکردهای شرکت‌های بازار

سرمایه برای کنترل لنگرهای ذهنی سهامداران وجود ندارد و این مطالعه می‌تواند از طریق سناریو پردازی جنبه‌های آتی این شیوه از گزارشگری مالی را توسعه بخشد.

ثانیاً، به دلیل شرایط پر نوسان بازار سرمایه، امروز سهامداران برای افشاء اطلاعات به جنبه‌های کیفی گزارشگری مالی مثل اصل صادقانه بودن و قابل‌اتکا بودن افشاء اطلاعات بیشتر احتیاج دارند، تا بتواند تصمیم‌های دقیق‌تری در خصوص عایدات مورد انتظار خود از بازار سرمایه داشته باشند. عدم‌حمایت از ذینفعان علی‌الخصوص سرمایه سهامداران در قالب تشکیل صنف‌های مالی در بازار سرمایه، می‌تواند یکی از مهم‌ترین دلایل تمرکز بر توسعه شیوه‌های گزارشگری مالی واقع‌گرایانه همچون گزارشگری پارانوئید تلقی شود. لذا نتایج آتی انجام این مطالعه می‌تواند در توصیه به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری مبنی بر بسط این شیوه گزارشگری مالی مؤثر باشد.

نوآوری این مطالعه در وهله نخست به مفهوم‌سازی و طراحی الگوی نظری برای پدیده نوظهور «گزارشگری پارانوئید» بازمی‌گردد که تاکنون در ادبیات حسابداری ایران به‌صورت نظام‌مند موردبررسی قرار نگرفته است. درحالی‌که پژوهش‌های پیشین عمدتاً به جنبه‌های رفتاری پارانویا در سازمان یا مدیریت لحن گزارشگری پرداخته‌اند، این مطالعه برای نخستین بار با رویکردی ترکیبی (کیفی-کمی) و به‌کارگیری هم‌زمان نظریه داده بنیاد، تحلیل دلفی و تکنیک رتبه‌بندی ماتریسی، الگویی چندبعدی از بازنمایی گزارشگری پارانوئید ارائه می‌دهد. افزون بر این، تعیین «محوری‌ترین بُعد» از طریق ماتریس‌های خود تعاملی و تحلیل اثرات مستقیم، غیرمستقیم و قطبی، جنبه دیگری از نوآوری روش‌شناختی این پژوهش محسوب می‌شود که می‌تواند مبنایی برای توسعه هنجارهای افشای واقع‌گرایانه در بازار سرمایه قرار گیرد.

پس از مقدمه، مقاله در پنج بخش اصلی سازمان‌دهی شده است: بخش اول به مبانی نظری گزارشگری پارانوئید و ریشه‌های بین‌رشته‌ای آن در روانشناسی، علوم سیاسی و حسابداری می‌پردازد. بخش دوم پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط را مرور می‌کند. بخش سوم روش‌شناسی مطالعه شامل رویکرد آمیخته (کیفی-کمی)، مشارکت‌کنندگان، ابزار گردآوری داده‌ها و شیوه‌های تحلیلی (نظریه داده بنیاد، تحلیل دلفی و ماتریس رتبه‌بندی تفسیری) را تشریح می‌نماید. بخش چهارم یافته‌های پژوهش شامل نتایج کدگذاری‌ها و نیز نتایج ارزیابی ماتریسی را ارائه می‌دهد. بخش پنجم نیز به بحث و نتیجه‌گیری، تفسیر یافته‌ها، مقایسه با پیشینه و محدودیت‌های پژوهش اختصاص‌یافته است.

مبانی نظری

پارانوئید مبحثی برآمده از دانش روانشناسی است که به‌عنوان یک اختلال رفتاری، دلایل عملکردهای فردی را توجیه می‌نماید و به شناخت فراگیرتر ارتباطات بین فردی و اجتماعی کمک می‌کند. بسط این پدیده به حوزه‌های شناختی و کارکردهای گزارشگری مالی شرکت‌ها از ماهیت گفتمان استراتژیک بین شرکت با ذینفعان برمی‌آید و بر فرآیندهایی از شیوه‌های ارزیابی انتقادی متکی است که می‌تواند افشاء اطلاعات مالی را برای استفاده‌کنندگان ملموس‌تر و قابل‌فهم‌تر نماید (لو[۱۳]، ۲۰۲۲). این پدیده‌ی نوظهور در راستای شیوه‌های گزارشگری مالی، به دنبال این است تا با شفافیت بیشتر اطلاعات، هرگونه خوش‌بینی مفرط و یا برآوردهای مبتنی بر بیش اعتمادی مدیران را از طریق شیوه‌های ارزیابی انتقادی به‌گونه‌ای به ذینفعان مخابره کند تا ضمن کنترل هیجانات بازار سرمایه، سطح شناخت عمیق‌تری از عملکردهای مالی شرکت را برای آنان ارتقاء بخشد تا تصمیم‌گیری‌های مالی از کیفیت بالاتری برخوردار باشد (رادرفورد، ۲۰۲۳). این مفهومی نظری که توسط ریچارد هافستاتر[۱۴] (۱۹۶۵) در ابتدا مطرح گردید، سطح قابل‌توجهی از ادبیات مرتبط با پارانوئید را به جنبه‌های شناخت عمل‌گرایانه استفاده‌کنندگان از اطلاعات، پیوند می‌زند و به‌عنوان یک روش جایگزین در خوانایی اطلاعات، به تفاسیر جامع‌تر ذینفعان از واقعیت‌های افشاء شده در گزارشگری مالی کمک می‌نمایند. در این سبک از گزارشگری مالی، شرکت‌ها مطابق با نظر مورفی و همکاران[۱۵] (۲۰۱۳) در تلاش برای کاهش شکاف هزینه‌های نمایندگی می‌باشند. چراکه هزینه‌های ناشی از تحریف اطلاعات و عدم افشاء واقع‌بینانه‌ی شرکت‌ها را مبنایی برای ریزش قیمت سهام شرکت تعبیر می‌نمایند. بر این اساس مونیسا[۱۶] (۲۰۲۲) راهکار مورداستفاده پارانوئید مالی را برای شرکت‌ها پیشنهاد می‌دهد تا از این طریق بتوانند، با ارجاع عملکردهای واقع‌بینانه به‌صورت لحن منفی به ذینفعان خود، شکاف ناشی از هزینه نمایندگی را کاهش دهند و تصمیم‌گیرندگان مالی را با دنیای واقعی‌تر عملکردهای صورت گرفته، هم‌راستا نمایند. برای درک بهتر گزارشگری پارانوئید، می‌بایست به ماهیتِ محتوایی پارانوئید در دانش بین‌رشته‌ای مراجعه کرد. بکمن و دی‌لیئو[۱۷] (۲۰۲۱) با استفاده از مفهوم پارانوئید در علم سیاست، اذعان می‌نمایند که زبان و لحن تعاملات دیپلماتیک، می‌تواند سر منشأیی مبتنی بر ضمایم پارانوئید داشته باشد تا حدی که به‌عنوان یک ابزار تشخیصی می‌تواند در بیانیه‌های

سیاسی، حاوی سیگنال‌هایی برای ذینفعان یا طرفین یک مذاکره تلقی شود. لذا همان‌طور که مشاهده می‌شود، به‌کارگیری پارانوئید در ارتباطات، اگرچه حاوی لحنی تند و منفی می‌باشد اما می‌تواند در تفسیر شفاف از واقعیت‌های ادراکی طرف مقابل، در ارتباط به‌حساب بیایید. بر این مبنا، کارکردهای پارانوئید را می‌بایست همچون شمشیر دو لبه‌ای تلقی نمود که اگرچه حاوی محدودیت‌هایی به لحاظ انقطاعِ ارتباطِ بین طرفین در ظاهر نمایان می‌نماید، اما پیام‌های مبتنی بر پارانوئید، حاوی زمینه‌های از شناخت بهتر از رویکردهای قابل انعکاس می‌باشد.

محققانی همچون شورت[18] (۲۰۱۲)؛ اشنایدرمن[19] (۲۰۱۶) و بکمن[20] (۲۰۲۰) کارکرد پارائوئید را نوعی آشکارسازی ضمنی در انعکاس اطلاعات تلقی می‌کنند که می‌تواند به فراگیری جنبه‌هایی از شناخت ادراکی تصمیم‌گیرندگان کمک نماید. لذا بسط این پدیده به بستر کارکردهای گزارشگری مالی سبب می‌شود تا افشاء اطلاعات با محتوای بیشتر و اغراق کمتر به اطلاع ذینفعان برسد و بر مبنای رویکردِ روشنگرانه، آنان را در رسیدن به فضائلی ازنظر آگاهی و شناخت بیشتر کمک نماید تا به‌دوراز تعصب‌ها یا بروز رفتارهای نابهنجار، اصل واقعیت عملکردی را مورد قضاوت قرار دهند. یکی از نقطه‌های آغازین مطالعه‌های مرتبط به بسط چنین رویکردی در گزارشگری مالی، مطالعه‌ی پاور[21] (۲۰۱۰) می‌باشد که به ارائه‌ی مفاهیمی از پارائونید در «جامعه‌شناسی قابلیت اطمینان حسابداری[22] می‌پردازد و با اتکا به کارکردِ محتوایی تجدید ارائه صورت‌های مالی[23]، زمینه‌های افشاء اطلاعات قابل‌اتکا برای ذینفعان را ملموس‌تر می‌نماید. به‌طوری‌که ارب و پلگر[24] (۲۰۱۵) با الهام از پژوهش پاور (۲۰۱۰)، تغییراتی که هیئت استانداردهای حسابداری مالی ایالات‌متحده و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی در افشاء فراگیرتر اطلاعات برای ذینفعان را، مدنظر قرار داده‌اند، بررسی می‌کنند و اذعان می‌نمایند، به‌کارگیری پارانوئید می‌تواند تصویر واقع‌بینانه‌تری از آگاهی عملکردی شرکت‌ها را در تصمیم‌گیرندگان مالی، تداعی نماید. این محققان نتیجه‌گیری می‌کنند که استاندارد گذاران در حوزه حسابداری، با درک ضعف استفاده‌کنندگان از اطلاعات ارائه‌شده به روش‌های سنتی و کلاسیک در رویه‌های حسابداری، هرروزه تلاش می‌کنند تا از طریق یک رویکرد بین‌الاذهانی از مفاهیم نظری، هنجارهایی را به وجود بیاورند تا مرزهای شناخت استفاده‌کنندگان از واقعیت‌های عملکردی شرکت را به سمت ارزش‌های برابر و عادلانه گسترده‌تر نمایند. در این راستا حائز اهمیت است که بیان گردد، مورفی و همکاران (۲۰۱۳) نیز بسط نوعی شناخت انتزاعی را در رویه‌های حسابداری

ملزوم تعامل‌پذیری بالاتر با ذینفعان تلقی می‌نمایند. درواقع مورفی و همکاران (۲۰۱۳) موضوعی فراتر از توسعه‌ی استانداردها را موردبررسی قرار می‌دهند و با نقد پژوهش راونزکرافت و ویلیامز[۲۵] (۲۰۰۹) که معتقدند، پایه اصلی شناخت از واقعیت‌های مالی، صرفاً توسعه‌ی استانداردهای حسابداری است، به این مسئله می‌پردازند که حوزه‌هایی از افشاء اطلاعات به‌صورت انتزاعی وجود دارد که ماورای استانداردها، با ترویج ارزش‌ها و هنجارهای عمل‌گرایانه در افشاء اطلاعات توسط شرکت‌ها، حتی با لحن و زبانی منفی، به استفاده‌کنندگان از اطلاعات کمک می‌کند، از شناخت قابل‌اتکاتری در تصمیم‌گیری‌های مالی برخوردار باشند. پلگر[۲۶] (۲۰۲۰) نیز در پژوهش دیگری در بسط کارکردهای گزارشگری پارانوئید، با تقویت دیدگاه‌های مربوط به تجدید ارزش اطلاعات مالی در پژوهش قبلی خود با ارب در سال (۲۰۱۵)، به این مسئله می‌پردازد که هیئت‌های استاندارد گذاری حسابداری امروزه دریافته‌اند که انحصار اطلاعات می‌بایست شکسته شود، چراکه حتی در سایه وجودِ شدیدترین استانداردها، ممکن است شکاف‌هایی وجود داشته باشد که شرکت‌ها از آن برای دور زدن استفاده‌کنندگان از اطلاعات بهره ببرند. لذا اذعان می‌کند که به‌کارگیری پارانوئید در افشاء اطلاعات اگرچه کارکردی مبتنی بر زبان منفی گزارشگری محسوب می‌شود، اما به شناخت ضمنی و قابل‌اتکاتر ذینفعان کمک می‌کند. همچنین بیان می‌نماید دستیابی به چنین پیامدی، راهی به جزء هنجار سازی اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ندارد. لذا تأکید می‌کند که با تغییر پارادایم‌های سنتی، پذیرش نوعی تعامل‌پذیری هنجاری در افشاء اطلاعات می‌تواند به مشروعیت بالاتر کمک نماید. با استناد به مبانی نظری ارائه‌شده و ضرورت‌هایی که نیاز به توسعه شیوه‌های واقع‌بینانه‌تری از افشاء اطلاعات را در بازار سرمایه مورد تأکید قرار می‌دهد، در این بخش نسبت به طرح دو سؤال اصلی پژوهش به ترتیب زیر اقدام می‌گردد.

[۱] زمینه‌های مؤثر بر بازنمایی گزارشگری پارانوئید کدامند؟

[۲] محوری‌ترین زمینه شناسایی‌شده در بازنمایی گزارشگری پارانوئید شرکت‌های تجاری کدامند؟

بر اساس ماهیت مطالعه به‌صورت دوفازی، سؤال اول بر اساس طی فرآیندهای کیفی قابل توصیف در روش‌شناسی پاسخ داده می‌شود و سؤال دوم نیز از طریق ماتریسی و فرآیندهای تحلیلی به‌صورت ماتریس مقایسه زوجی موردبررسی قرار می‌گیرد. به‌طوری‌که ابتدا از طریق فرآیند تحلیل نظریه داده بنیاد و بر اساس اَبزار مصاحبه و سه مرحله کدگذاری، امکان پاسخ به

سؤال اول پژوهش مهیا می‌گردد. تا پس از انجام تحلیل دلفی و تعیین حد اجماع نظری بتوان از طریق بسط مؤلفه‌های محوری به بستر مطالعه نسبت به انجام متناظر ساری‌های ماتریسی اقدام نمود و نسبت به انتخاب محوری‌ترین بُعدِ اصلی سازهٔ ایجادشده در بخش کیفی اقدام لازم را انجام داد.

پیشینه

لوئیز و آبهیشک[۲۷] (۲۰۲۴) مطالعه‌ای با عنوان «مدیران به‌عنوان استراتژیست‌های پارانوئید: بررسی ماهیت، علل و پیامدهای پارانویای رقابتی» انجام دادند. مطالعه‌های قبلی به این احتمال اشاره می‌کند که مدیران اغلب از یک الگوی مغرضانه شناخت رقابتی رنج می‌برند، به‌طوری‌که آن‌ها به‌طور سامانمند ارزیابی می‌کنند که رقبایشان حرکات تهدیدآمیزتری نسبت به شرکت‌های تحت هدایت آنان به کار می‌گیرند. بااین‌حال، مطالعات کمی به ماهیت واقعی، علل و پیامدهای عملکردی چنین پارانویای شناختی اقدام نموده‌اند. لذا در این مقاله، از طریق یک ماتریس سناریو پردازی، بدبینی‌های ایجادشده در قالب سازمان‌های پارانوئید باعث می‌شود تا فضای رقابت بین شرکت‌ها اگرچه با تنش‌های زیادی همراه است، اما به‌واسطه اتخاذ تصمیم‌های سخت‌گیرانه‌تر می‌تواند با پیامدهای مثبتی برای شرکت‌ها در آینده همراه باشد. رادرفورد (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان «توسعه سبک پارانوئید در جامعه‌شناسی اصول گزارشگری مالی» انجام داد. این مطالعه از طریق شیوه تحلیل محتوا و با تمرکز بر نظریه ریچارد هافستادتر جنبه‌هایی از خوانش محافظه‌کارانه افشاء اطلاعات، ادراک محتوای اطلاعاتی و توازن بازده مورد انتظار با بازده واقعی مدنظر قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، جریان قابل‌توجهی در ادبیات در حال ساخت به سبک پارانوئید است. سبک‌شناسی پارانوئید، که به‌عنوان یک ابزار تشخیصی استفاده می‌شود، که امکان توسعه شناخت تحریفی در تصمیم‌گیرندگان مالی را توسعه می‌بخشد. مونیسا (۲۰۲۲) مطالعه‌ای با عنوان «پارانوئیدگرایی در عملکردهای مالی» انجام داد. در این مطالعه‌ی موردی از طریق یک جریان تفکر انتقادی و ابزارهای مرتبط به آن، ماهیتِ افشاء اطلاعات به لحاظ اثرگذاری بر ذهنیت سرمایه‌گذاران موردبررسی قرار گرفت و نتایج مبتنی بر مطالعه‌ی چندین پژوهش مشابه در این حوزه نشان داد، حرکت به سمت عملکردهای مالی پارانوئید، فراتر از فرآیندهای مالی قابل پیاده‌سازی، یک استراتژی مالی و قابل‌اتکا برای تصمیم‌گیری‌های مالی تلقی می‌شود که می‌تواند ظرفیت‌های رقابت‌پذیری

شرکت‌ها در بازار مالی را به شکل چشم‌گیرتری ارتقاء بخشد. محمدی و همکاران (۱۴۰۳) مطالعه‌ای با عنوان «طراحی چارچوب کارکردهای گزارشگری پارانوئید و بررسی تأثیر آن بر لنگرهای ذهنی سهامداران» انجام دادند. روش‌شناسی این مطالعه توسعه‌ای/کاربردی است، زیرا ضمنِ ارائه‌ی یک چارچوب اکتشافی از کارکردهای گزارشگری پارانوئید، مبنی بر ایجاد یک انسجام شناختی از فراگیری اطلاعات، به دنبال بررسی تأثیر آن بر محرک‌های لنگر ذهنی سهامداران می‌باشد. ابزار پژوهش در بخش کیفی، مصاحبه و تمرکز بر فرآیند گرندد تئوری جهت ارائه‌ی یک مدل چندبعدی در خصوص کارکردهای گزارشگری پارانوئید می‌باشد تا بر اساس سنجش پایایی ابعاد شناسایی‌شده، جهت آزمون فرضیه پژوهش در بخش کمی، امکان تدوین پرسشنامه محقق ساخت وجود داشته باشد. در ادامه نیز از طریق تمرکز بر پرسشنامه استاندارد وانگ[۲۸] (۲۰۲۳) برای سنجش لنگر ذهنی سهامداران، مطالعه به‌واسطه‌ی تحلیل حداقل مربعات جزئی (PLS) فرضیه پژوهش را موردبررسی قرار داد. نتایج نشان داد، کارکردهای گزارشگری پارانوئید بر محرک بودن لنگر ذهنی در تصمیم‌گیری‌های هیجانی سهامداران، تأثیر منفی و معناداری دارد. درواقع نتایج کسب‌شده نشان می‌دهد کارکردهای ذهنی در تصمیم‌گیری تحت وجود گستردگی اطلاعات افشاء شده از طریق کارکردهای پارانوئید، لنگرهای مبتنی بر تجارب گذشته‌ی سهامداران را تغییر می‌دهد و به‌واسطه‌ی حجم اطلاعات ارائه‌شده از مجموع گزارش‌های مالی توسط شرکت‌ها، ریسک‌های سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. زارع و همکاران (۱۴۰۳) مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر پارانوئید سازمانی بر تقلب در نظام گزارشگری مالی با میانجی‌گری وفاداری سازمانی» انجام دادند. داده‌های جمع‌آوری‌شده با روش معادلات ساختاری مورد تجزیه‌وتحلیل قرارگرفته است. جامعه آماری پژوهش در قلمرو زمانی سال ۱۴۰۲ شامل حسابداران و مدیران مالی شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار است که با استفاده از روش نمونه‌گیری معادلات ساختاری تعداد ۲۹۵ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه استاندارد است. یافته‌های پژوهش نشان داد پارانوئید سازمانی بر تقلب در گزارشگری مالی تأثیر مستقیم و اثرگذاری معکوس بر وفاداری سازمانی دارد و همچنین وفاداری سازمانی بر تقلب در گزارشگری مالی تأثیر معکوس دارد. درنهایت، پارانوئید سازمانی به‌طور غیرمستقیم و با میانجیگری وفاداری سازمانی بر رفتار متقلبانه حسابداران تأثیرگذار خواهد بود. پسایندهای پارانوئید سازمانی با کاهش وفاداری حسابداران سبب

افزایش رفتارهای متقلبانه حسابداران و درنهایت کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد. با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در این حوزه صورت نگرفته، نتایج پژوهش حاضر ضمن توسعه مبانی نظری، به مدیران و سیاست‌گذاران سازمانی در راستای شناسایی عوامل سازمانی محرک رفتارهای متقلبانه و پیشگیری از وقوع آن‌ها کمک می‌کند. محسنی و رهنمای رودپشتی (۱۳۹۸) مطالعه‌ای با عنوان «عملکرد مالی و کارکردهای مدیریت لحن نوشتار در گزارشگری مالی» انجام دادند. این مطالعه بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ را برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از طریق همبستگی و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه انتخاب نموده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین مدیریت لحن نوشتار و عملکرد مالی آتی شرکت، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین مدیران از مدیریت لحن نوشتار با انگیزه‌های راهبردی و برای پوشش عملکرد آتی ضعیف شرکت استفاده می‌کنند.

با بررسی پیشینه‌های پژوهشی ارائه‌شده در رابطه با پشتوانه سازی تجربی، مشخص می‌گردد پدیده گزارشگری پارانوئید به‌عنوان یک موضوع بدیع و نوظهور در کمتر پژوهشی موردتوجه قرارگرفته است و تمرکز بر روی آن به‌عنوان مبنایی برای ارائه الگوی نظری و تعمیم ابعاد محوری آن به بستر مطالعه، می‌تواند به ارزیابی ابعادِ محوری این پدیده کمک نماید و ادبیات مرتبط با این حوزه را تقویت کند.

روش‌شناسی

در مطالعات علمی حوزه علوم انسانی، روش‌شناسی تحت وجود سه جنبه نتیجه، هدف و نوع داده برای دستیابی به اهداف تدوین‌شده، قابل‌تفکیک می‌باشد. لذا این مطالعه را می‌بایست به لحاظ نتیجه، توسعه‌ای تلقی نمود، چراکه به‌واسطه ماهیت تحلیلی مطالعه، مبنی بر پیاده‌سازی نظری در قالب چارچوب پژوهش، تلاش‌های صورت گرفته برای توسعه مبانیِ مرتبط با گزارشگری پارانوئید، امکان یکپارچگی بالاتر ادبیات نظری به بستر دانش حسابداری را ممکن می‌سازد. بر اساس هدف، مطالعه حاضر، اکتشافی است، چراکه جنبه‌های نوظهور پدیده‌ی محوریِ مطالعه حاضر از طریق ابزار مصاحبه قابل‌شناسایی می‌باشد. درنهایت نیز به لحاظ نوع داده، می‌بایست این مطالعه را آمیخته تفسیر نمود. به این دلیل که در بخش کیفی با اتکا به روش تحلیل نظریه داده بنیاد، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مطالعه به دنبال بسط یک چارچوب نظری طبق رویکرد گلیزر[۲۹]

(۱۹۹۲) می‌باشد. چارچوبی که اضلاع آن از مضامین گزاره‌ای، مؤلفه‌های محوری و مقوله‌ها پدید می‌آیند و به شناخت کارکردی بالاتر گزارشگری پارانوئید کمک می‌کند. سپس در ادامه فاز کیفی، از تحلیل دلفی بر اساس دو معیار میانگین و ضریب توافق بهره برده می‌شود تا امکان تبیین مؤلفه‌های محوری به‌عنوان مبنای تحلیل رتبه‌بندی تفسیری برای دستیابی به تحقق هدف بخش کمّی مطالعه مبنی بر تعیین محوری‌ترین بعدِ کارکردی گزارشگری پارانوئید در بستر شرکت‌های بازار سرمایه ایجاد شود. لذا با اتکا به این توضیح‌ها جهت شناخت بالاتر می‌توان، چارچوب روش‌شناسی مطالعه که ترکیبی از فازهای کیفی و کمّی می‌باشد را به ترتیب زیر در شکل ۱ ارائه نمود.

شکل ۱ چارچوب‌های روش‌شناسی مطالعه

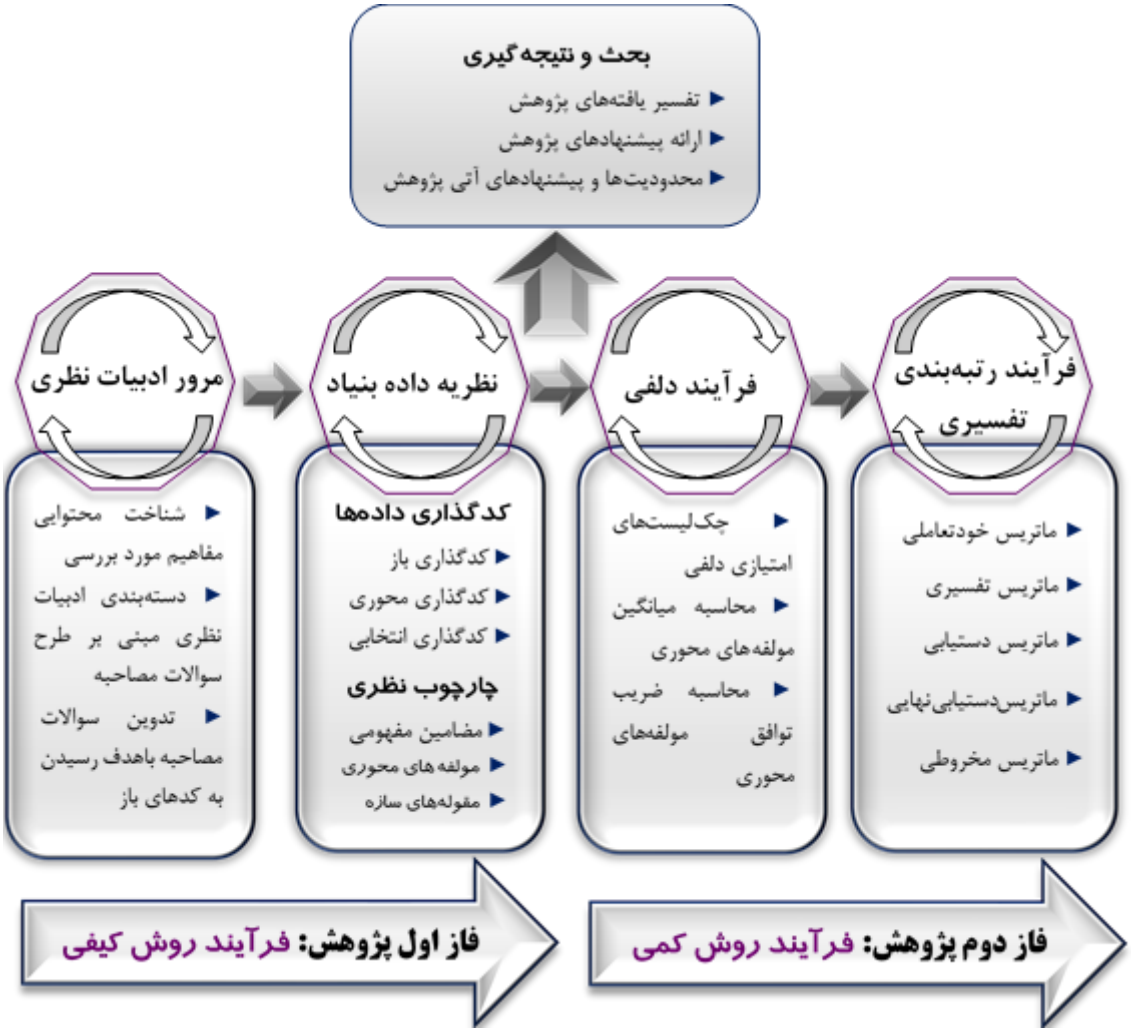

چارچوب بالا نشـان می‌دهد، جهت دسـتیابی به اهداف مدون شـده برای پیاده‌سـازی تحلیلی، ابتدا به لحاظ ماهیت اسـتقرایی، مطالعه بر اسـاس فرآیند نظریه داده بنیاد، اقدام به انجام مصـاحبه با خبرگان می‌نماید تا بتواند جنبه‌های نوظهور پدیده محوری مطالعه را به‌گونه‌ای اکتشاف کند تا امکان بسترسازی مؤلفه‌های محوری شناسایی‌شده به‌عنوان یک چارچوب رتبه‌بندی در فاز کمّی مطالعه و به‌واسطه‌ی توسعه رویکردهای قیاسی در فلسفه روش‌شـناسـی، ممکن باشـد. درواقع در این بخش بر اسـاس ماتریس‌های مقایسـه زوجی به‌صـورت سـطری «i» و سـتونی «j»، امکان دسـتیابی به هدف مطالعه در بخش کمّی، مهیا می‌گردد. لذا مبنای فلسفی مطالعه دو رویکرد استقرائی و قیاسی را تا دستیابی اهداف مطالعه به نتایج قابل تفسیر را دنبال می‌نماید.

شیوه‌های تحلیلی مطالعه به لحاظ پیاده‌سازی

برحسب توضیح‌های ارائه‌شده در باب چارچوب روش‌شناسی ارائه‌شده طبق شکل (۲)، این مطالعه طی دو فاز کیفی و کمّی به لحاظ روش‌های تحلیلی از یکدیگر قابل‌تفکیک می‌باشـند که در ادامه نسبت به ارائه توضیح‌های کافی در رابطه با هر شیوه‌ی تحلیل اقدام می‌شود.

الف۱) فرآیند پیاده‌سازی نظریه داده بنیاد

مطالعه حاضر به دلیل فقدان چارچوب‌های نظری منسجم در باب جنبه‌های گزارشگری پارانوئید به‌عنوان پدیده محوری، از این فرآیند که شـامل سـه مرحله کدگذاری برای دستیابی به چارچوب نظری می‌باشد، بهره برده است. لذا با توجه به تعدد شیوه‌های تحلیل نظریه داده بنیاد، جهت پیاده‌سازی ابعاد گزارشگری پارانوئید، از رهیافت ظاهر شونده[۳۰] در پیاده‌سـازی تحلیل نظریه داده بنیاد اسـتفاده می‌شـود که خالق آن بارنی گلیزر (۱۹۹۲) می‌باشد. در این فرآیند، انجام مصاحبه با خبرگان به شناسایی مضامین مفهومی، مؤلفه‌های محوری و مقوله‌های پدیدارشده طی سه مرحله کدگذاری منجر می‌شود و مهم‌ترین بخش پیاده‌سـازی آن چگونگی دسـتیابی به نقطه اشـباع نظری می‌باشـد. نقطه‌ای که کدهای باز ایجادشـده از مصـاحبه‌های بدون سـاختار (عمیق) و نیمه سـاختاریافته (نیمه عمیق)، تکرار مضـامین مفهومی قبلی می‌باشـند و می‌توان پژوهش را نسـبت به اتمام مصـاحبه‌ها ترغیب نماید. با این توضـیح‌های ابتدا، جهت سـیر فرآیندِ پیاده‌سـازی این تحلیل می‌بایسـت اذعان نمود که مصاحبه اول با رعایت کفایت خبرگی تشریح شده در بخش مشارکت‌کنندگان و

هماهنگی‌های صورت گرفته، آغاز شد که ماحصل آن ظهور ۳۱ کد باز بود که با انجام ۱۴ مصاحبه دیگر، درمجموع ۲۹۳ کد باز از مجموع مصاحبه‌ها ایجاد شد. اما نکته قابل‌اتکا این بوده است که با انجام کدگذاری محوری در پایان هر مصاحبه به دلیل آمادگی ذهنی مصاحبه‌کننده، تلاش می‌شد تا با کسب کدهای باز از مصاحبه قبلی، سؤالات به‌گونه‌ای جرح‌وتعدیل گردند تا امکان دستیابی به نقطه اشباع در ادامه‌ی فرآیندهای مصاحبه محقق گردد. لذا طی انجام کدگذاری‌ها تقریباً از مصاحبه ۸ کدهای پرتکرار زیادی ایجاد شد که با دسته‌بندی آن‌ها به مؤلفه‌ها در کدگذاری محوری، نقطه‌ی اشباع در مصاحبه ۱۴ به وقوع پیوست و مشخص گردید تقریباً فراوانی تکرار مضامین گزاره‌ای در هر مؤلفه، تقریباً برابر است. به‌عبارت‌دیگر ازآنجایی‌که دستیابی به توازن برابر مضامین، می‌تواند توجیه‌کننده ایجاد یک مؤلفه محوری به لحاظ معنایی و ماهیت نظری باشد، لذا با رعایت چنین اصلی در این فرآیند تحلیلی، نقطه اشباع تئوریک در مصاحبه ۱۴ از توجیه کافی برخوردار بود. لذا از این مرحله به بعد مطالعه وارد فرآیند کدگذاری انتخاب شد، تا با دسته‌بندی مؤلفه‌ها به شکل مفاهیم مشابه و هم‌معنا در یک مقوله، سازه‌های چارچوب نظری نهایی از پشتیبانی کافی در طی فرآیند مصاحبه برخوردار باشد. تفاوت این مرحله از کدگذاری با کدگذاری محوری در تعیین عنوان نظری برای مقوله‌ها بود، که در وهله اول می‌بایست با ارجاع به ادبیات بستر پدیده محوری، عنوان مناسب برای تعریف یک مقوله انتخاب می‌شد، تا از ساختار مشابهی در نظریه‌ها یا رویکردهای پژوهشی در گذشته برخوردار بودند. اما اگر دسته‌بندی مؤلفه‌ها برای رسیدن به مقوله‌ها از پشتوانه ادبیات نظری برخوردار نبود، لازم بود تا با بینش تجربی که محققان مطالعه، از سیر مصاحبه‌ها و رویکردهای خبرگان کسب نموده بودند، نسبت به انتخاب یک عنوان مناسب برای مقوله بهره‌مند می‌شدند. نکته آخری که بایستی به آن در این بخش اشاره شود، ایجاد پروتکل (رویه‌ای) مشخصی برای چیدمان سؤالات مصاحبه بر اساس شرایط مصاحبه‌شونده و محیط مصاحبه بود که نیازمند آشنایی کامل مصاحبه‌کنندگان با انجام صحیح این فرآیند بود. لذا تلاش شد تا طبق شکل (۴) با رعایت طرح سؤالات به‌صورت رفت‌وبرگشت[۳۱] که اصطلاحاً به آن «U» گفته می‌شود (چیبلهوفر[۳۲]، ۲۰۲۳)، انسجام انجام مصاحبه از طریق پروتکل‌های تشریح شده، رعایت می‌شد.

شکل ۲ پروتکل‌های پیاده‌سازی مصاحبه با خبرگان

اختصاص کد مصاحبه	انجام فرآیند مصاحبه	کدگذاری باز مصاحبه‌ها	استحصال مفاهیم	تناسب‌سازی محتوایی	
جهت جلوگیری از اشتباه در فرآیند کدگذاری، در حین مصاحبه با تعیین سوالات باز، ضمن دادن کد مشخص به هر مصاحبه‌شونده با اختصار «KL»، یک کدمشخص به ردیف مصاحبه با اختصار «N» داده می‌شود. هدف از این کار، تطبیق سوال با کدهای باز بود.	در این مرحله طی هماهنگی‌های صورت گرفته، اقدام به انجام مصاحبه می‌شد. لازم بود تا جهت یکپارچگی و پیوستگی کدگذاری، فاصله زمانی کوتاه جهت انجام مصاحبه‌ها مدنظر قرار می‌گرفت.	در این مرحله پس از اتمام هر مصاحبه، نسبت به کدگذاری صحبت‌های مطرح شده می شد تا با دلیل آمادگی ذهنی مصاحبه‌کننده، سطح سینرژی کدهای باز ایجاد شده از تناسب بالاتری برخوردار باشد.	در این مرحله از طریق انتزاعی کردن کدهای باز مبنی بر یکدست کردن کدهای باز هم معنا، اقدام به دسته‌بندی هم معنای مضامین گزاره‌ای ایجاد شده در پایان هر مصاحبه به یک مولفه‌ی محوری مشخص بود.	در نهایت نیز جهت تناسب‌سازی محتوایی تکرار مضامین گزاره‌ای بر آمده از کدهای باز، به شکل کدگذاری محوری مبنای هدایت مولفه‌ها به مقوله‌های مشخص در کدگذاری انتخاب قرار گرفت.	پرتکل مصاحبه

الف۲) فرآیند پیاده‌سازی تحلیل دلفی

بخش دوم فاز کیفی مطالعه باهدف تناسب سازی محتوایی مضامین با مؤلفه‌های محوری پدید آمده، از طریق تدوین چک‌لیست‌های امتیازی هفت گزینه‌ای لیکرت در بستر تحلیل دلفی کلاسیک انجام گرفت. در این فرآیند با اتکا به معیارهای میانگین و ضریب توافق، امتیازهای اختصاص داده‌شده خبرگان به چک‌لیست‌های توزیع‌شده، مبنای تأیید یا حذف مضامین گزاره‌ای تلقی می‌گردید تا با اطمینان از تأیید تعداد مضامین گزاره‌ای در یک مؤلفه محوری، امکان ورود مطالعه در فاز کمّی که متکی به ارزیابی مقایسه زوجی مؤلفه‌ها بود، محقق می‌شد. درواقع این تحلیل از یک ابزار لیکرت بر پایه‌ی مقیاس ۷ گزینه‌ای بهره می‌بُرد تا بررسی نماید که مؤلفه‌های محوری و مضامین مفهومی شناسایی‌شده، از اعتبار کافی برای سنجش پدیده‌ی محوری این مطالعه برخوردار هستند یا خیر. لذا با مشارکت خبرگان مطالعه و توزیع

چک‌لیست‌های هفت گزینه‌ای، تلاش می‌شود تا حد اجماع نظری ابعاد پدیدارشده از نظریه داده بنیاد بر اساس حد مطلوب میانگین ۵/۰۰ و ضریب توافق ۰/۵ مورد برآورد قرار گیرد. چراکه نظرات پراکنده‌ی خبرگان در طی مصاحبه و دسته‌بندی آن بر اساس کدگذاری‌های نظریه داده بنیاد، نیازمند یکپارچگی اعتباری برای تعمیم مؤلفه‌های محوری به بستر مطالعه دارد. به همین دلیل این تحلیل می‌تواند زمینه‌ساز تبیین مؤلفه‌های محوری در بستر مطالعه برای انجام تحلیل بخش کمّی مطالعه باشد.

ب) فرآیند پیاده‌سازی تحلیل در فاز کمّی

پس از تأیید پایایی ابعاد از طریق تحلیل دلفی فازی، با اختصاص کدهای مشخص به هریک از محورهای اصلی مؤثر بر شکل‌گیری گزارشگری پارانوئید، در گام اول از طریق تحلیل ماتریس متقارن اثرگذاری محورهای اصلی در چهار جهت «تأثیرگذاری سطر بر ستون $i \rightarrow j$»؛ «تأثیرگذاری ستون بر سطر $i \leftarrow j$»؛ «تأثیرگذاری متقابل ستون بر سطر و بالعکس $i \leftrightarrow j$» و «عدم وجود تأثیر بین سطر و ستون $i \neq j$» مشخص می‌شود تا با تعیین روابط درونی بین محورهای مورد ارزیابی در سطر «i» و ستون «j»؛ ماتریس‌های مرتبط با این فرآیند ارزیابی، محوری‌ترین مؤلفه مؤثر بر اثربخشی کارکردهای گزارشگری پارانوئید در بستر شرکت‌های بازار سرمایه را مشخص نماید.

اعتبار پژوهش

در پژوهش‌هایی با ماهیت دوفازی که در فاز اول مطالعه از شیوه روش‌شناسی اکتشافی و ابزار مصاحبه، نسبت به شناسایی جنبه‌های نوظهور پدیده محوری اقدام می‌شود، تعیین ماهیت اعتبار مطالعه برای تبیین ابعاد چارچوب نظری به بستر مطالعه، ضروری می‌باشد. برای این منظور از روایی سه سو سازی شده بهره می‌شود تا نسبت به قابلیت انتقال معیارهای برآمده از کدگذاری سه مرحله‌ای مصاحبه‌ها بر اساس نقطه اشباع تئوریک در بستر مطالعه محقق گردد. لذا بر اساس اینکه در رویکرد کیفی از طریق مصاحبه، ذهنیت مورد تفسیر خبرگان نقش برجسته‌ای در دستیابی به چارچوب نظری یک پدیده محوری دارد، لازم است تا به‌منظور اتکاپذیری ابعاد برآمده از طی چنین فرآیندی، اعتبارسنجی از طریق روشی همچون سو سازی صورت گیرد تا سطح صحت ابزاری ابعاد برای استفاده در فاز کمّی مطالعه، از اطمینان‌پذیری کافی برخوردار باشد (اسپیزیال و همکاران[۳۳]، ۲۰۱۱). لذا در این مطالعه برای محقق شدن اعتبار فاز کیفی مطالعه از طریق تکنیکِ سه سو سازی، ۴ بُعد

می‌بایســـت به لحاظ تأمین کفایت تحلیلی مورد بررســـی قرار گیرد تا معتبر بودن ابعاد شناسایی‌شده قابل‌تأیید باشد.

– اعتبار یابی از طریق بازبینی تأییدی: بُعد اول از تکنیک سه سو سازی، به دنبال بررسی قابلیت اتکاپذیری ابعادِ محوری شناسایی‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان می‌باشد تا مشخص نماید که طی مصـاحبه‌های صـورت گرفته، مطالعه توانسـته به شـکل صـحیحی از مجموع دیدگاه‌های مصـاحبه‌شـوندگان، چارچوب نظری پدیده محوری را ارائه دهد. لذا با ۷ نفر از بین ۱۲ مصاحبه‌شونده، پس از اتمام مصاحبه و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها هماهنگ شد تا نظرات خود را در خصـوص، دیدگاه‌های مطرح‌شـده در فرآیند مصـاحبه اذعان نمایند که مرور این نظرات نشـان می‌دهد، در همه موارد محقق درک صـحیحی از اظهارات مصـاحبه‌کنندگان وجود داشته است.

– اعتباریابی از طریق جســـتجو برای شـــواهد تطبیق‌پذیری یا مرور همتا: طی این بعد از روایی، تلاش شـد تا با مرور کارهای مشابه سایر محققان (گروه همتایان)، دیدگاه‌های آنان در مورد طی مسـیر تحلیلی مشـابه موردبررسـی قرار گیرد. لذا با اتکا به ظرفیت دانشـجویان دکتری دیگر که از فرآیندهای مشـابه بهره برده بودند، اسـتفاده شـد تا فرآیندهای تحلیل کیفی بررسی گردد. مرور نظرات از مشابهت فرآیندهای کدگذاری تا رسیدن به نقطه اشباع تئوریک حکایت دارد.

– اعتباریابی از طریق مرور ســیر داســتان (یادداشــت‌برداری در پایان هر کدگذاری): ازآنجایی‌که سـیر داسـتان مطالعه شـامل مرور فرآیندِ کدگذاری‌های صـورت گرفته در هر مرحله می‌باشـد، با ارائه توضـیح‌هایی تجربی در این به مسـیر، به خبرگان مشـارکت‌کننده، نظرات آن‌ها مبنی بر شـیوه صـحیح پیاده‌سـازی کدهای برآمده از هر مصـاحبه حکایت از تأیید این معیار اعتبار یابی در مطالعه دارد.

– اعتباریابی از طریق ارزیابی نظریه‌پردازی: در این مرحله از اعتبار یابی، مطالعه به گذار از مرحله کدگذاری محوری به انتخابی مبنی بر هماهنگی کدها با نظریه‌ها یا رویه‌های مرتبط با پدیده موردبررسـی تمرکز می‌کند تا مشـخص نماید، فاز کیفی مطالعه تا چه اندازه از همگرایی بالاتر با دانش موردبررسـی برخوردار اسـت. لذا با توجه به اینکه گزارشـگری پارانوئید از جنبه‌های شـــاخص و متفاوتی در پژوهش‌های قبلی این حوزه برخوردار نبوده اســـت، برای انتخاب عناوین نظری برای هر مقوله تلاش شـــد تا این هماهنگی محتوایی

صورت گیرد. لذا با رعایت این استدلال می‌توان این بُعد از تکنیک سه سو سازی را نیز مورد تأیید قرار داد.

جامعه و نمونه

بر اساس ماهیت جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه‌شوندگان جمعی از حسابداران رسمی هستند که به‌واسطه دانش فنی و دانشگاهی از آگاهی بالاتری به لحاظ شناخت از پدیده گزارشگری پارانوئید برخوردار بودند. لذا طی نمونه‌گیری نظری و فرآیند گلوله برفی، خبرگان انتخاب شدند تا جهت انجام مصاحبه، با توجه به رویکردهایی همچون سابقه‌ی شناخت فنی و استانداردهای مرتبط با حوزه‌ی گزارشگری از یک‌سو و سابقه‌ی پژوهشی خبرگان در این حوزه از سویی دیگر، تلاش شد تا حد کفایت خبرگی موردتوجه قرار گیرد و افرادی برای مصاحبه دعوت شوند که بر اساس دانش و آگاهی شناختی بتوانند، ابعاد گسترده‌تری از پدیده‌ی موردبررسی را در مصاحبه‌ها پوشش دهند. لذا با آغاز مصاحبه‌ها و معرفی سه مصاحبه‌شونده اولیه و معرفی مصاحبه‌شوندگان دیگر بر اساس معیارهای یادشده در فرآیند گلوله برفی، تعداد ۱۴ مصاحبه به اجرا درآمد، چراکه نقطه‌ی اشباع تئوریک مبنای اتمام مصاحبه‌ها در این دست از پژوهش‌های تلقی می‌شود.

سپس در فاز کمی تعداد ۳۰ نفر به‌عنوان مشارکت‌کننده از میان مدیران مالی و روسای حسابداری شرکت‌های تجاری در قالب تجربه‌گران بستر مطالعه، به‌واسطه‌ی شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. تکنیک ارجاع و دسترسی به مشارکت‌کنندگان بخش کمّی مطالعه، دروازه‌بانان اطلاعات بود تا امکان به پُر نمودن چک‌لیست‌های ماتریسی توزیع‌شده در پژوهش محقق می‌گردید. علّت انتخاب تکنیک دروازه‌بان اطلاعات، این بود که مشارکت‌کنندگانی در این حوزه انتخاب شوند که برحسب تجربه و دانش کافی، بتوانند در جمع‌آوری صحیح داده‌ها در راستای اهداف مطالعه کمک کافی را به روند تحلیلی مطالعه داشته باشند. علّت معدود بودن مشارکت‌کنندگان در این بخش نیز، دستورالعمل اجرای ماتریس رتبه‌بندی تفسیری به لحاظ تعداد فرآیندهای مشارکت و پیچیدگی آن می‌باشد. لذا با اتکا به پژوهش‌های ساهو و تاکر[۳۴] (۲۰۲۳)؛ جان‌ویلیام و همکاران[۳۵] (۲۰۲۳) و ولتمیر و محمّد[۳۶] (۲۰۱۷) حد مطلوب انتخاب تعداد نمونه ۱۵ تا ۳۰ نفر تعیین شدند که در این مطالعه نیز تعداد نمونه‌ی ۲۲ نفری موردتوجه قرار گرفت.

یافته‌ها

در این مطالعه بر اســاس ماهیت تحلیل‌های مورداســتفاده جهت جمع‌آوری داده‌ها، به تفکیک نسـبت به ارائه‌ی یافته‌های پژوهش اقدام می‌شـود. اما ابتدا لازم اسـت تا اطلاعات جمعیت شناختی مطالعه ارائه گردد. لذا با توجه به تشریح فرآیند انتخاب نمونه، طبق جدول ۱ اطلاعات جمعیت شناختی به ترتیب زیر ارائه می‌شود.

جدول ۱ اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش)

متغیر	بخش کیفی			بخش کمی		
	معیارها	تعداد	درصد	معیارها	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۱۰	٪ ۷۱/۴۲	مرد	۱۶	٪ ۷۲/۷۲
	زن	۴	٪ ۲۸/۵۸	زن	۶	٪ ۲۷/۲۸
جمع		۱۴	٪۱۰۰	جمع	۲۲	٪۱۰۰
سن	کمتر از ۴۰ سال	۲	٪ ۱۴/۲۸	کمتر از ۴۰ سال	۱۰	٪ ۴۵/۴۵
	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۹	٪ ۶۴/۳۰	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۸	٪ ۳۶/۳۶
	بیشتر از ۵۰ سال	۳	٪ ۲۱/۴۲	بیشتر از ۵۰ سال	۴	٪ ۱۸/۱۹
جمع		۱۴	٪۱۰۰	جمع	۲۲	٪۱۰۰
سابقه کاری	زیر ۱۰ سال	۵	٪ ۳۵/۷۰	کمتر از ۲۰ سال	۱۰	٪ ۴۵/۴۵
	بیشتر از ۱۰ سال	۹	٪ ۶۴/۳۰	بیشتر از ۲۰ سال	۱۲	٪ ۵۴/۵۵
جمع		۱۴	٪۱۰۰	جمع	۲۲	٪۱۰۰

همان‌طور که مشاهده می‌شود بر اساس سه معیار جنسیت، سن و سابقه کاری اقدام به تفکیک مشــارکت‌کنندگان بخش کیفی با بخش کمّی گردید، چراکه فرآیند جمع‌آوری داده‌های مطالعه ترکیبی بود. همان‌طور که مشـخص‌شـده اسـت، در بخش کیفی ۱۴ نفر از خبرگان و در بخش کمّی نیز ۲۲ نفر از مدیران مالی و روســای حســابداری شــرکت‌های تجاری مشــارکت نمودند. در ادامه راســتای طرح ســؤال اول پژوهش مبنی بر شــناســایی زمینه‌های بازنمایی گزارشــگری پارانوئید، همان‌طور که فرآیندهای روش‌شــناســی مطالعه مبنی بر دستیابی به یک چارچوب نظری منسجم تشریح شده، طی فرآیند پیاده‌سازی نظریه داده بنیاد و بر اساس طریق ۱۴ مصاحبهٔ انجام‌شده و مراحل مرحله کدگذاری باز، محوری و

انتخابی، مجموعاً «۲۹۳» کد باز اولیه شناسایی شد. سپس در راستای تفکیک مضامین مفهومی به مؤلفه‌ها و سپس مؤلفه‌ها به مقوله‌ها نتایج ارائه‌شده در جدول ۲ می‌تواند گزارش اولیه ابعاد شناسایی‌شده را نشان دهد.

جدول ۲ نتایج طی فرآیند تحلیل نظریه داده بنیاد

	مقوله‌های ساختاری						
	کارکردهای عملکرد مالی		کارکردهای عملکرد حاکمیتی		کارکردهای عملکرد اجتماعی		تعداد
مؤلفه‌های محوری	زمینه‌های ریسک‌پذیری	زمینه‌های دارایی‌های نامشهود	زمینه‌های اختصاص پاداش و مزایا	زمینه‌های عملکرد کنترل داخلی	جنبه‌های اختیاری	رعایت حقوق ذینفعان	
کدهای باز	۵۰	۵۴	۴۷	۵۲	۴۵	۴۵	۲۹۳
کدهای محوری	۷	۶	۷	۷	۶	۶	۳۹
درصد کدگذاری باز	٪ ۱۷/۰۶	٪ ۱۸/۴۳	٪ ۱۶/۰۴	٪ ۱۷/۷۴	٪ ۱۵/۳۶	٪ ۱۵/۳۶	٪ ۱۰۰
درصد کدگذاری محوری	٪ ۱۷/۹۴	٪ ۱۵/۳۸	٪ ۱۷/۹۴	٪ ۱۷/۹۴	٪ ۱۵/۳۸	٪ ۱۵/۳۸	٪ ۱۰۰

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بر اساس «۲۹۳» کد باز ناشی از مصاحبه‌های انجام‌شده، ۳۹ مضمون مفهومی تعیین‌شده است که می‌توان مشخص نمود «۱۳/۳۱٪» هر کد باز ایجادشده به یک مضمون مفهومی تبدیل گردیده است. همچنین با تعیین «۶» مؤلفه محوری از ۳۹ مضمون مفهومی می‌توان استنباط نمود «۱۵/۳۸٪» هر مضمون مفهومی تعیین‌کننده یک مؤلفه محوری می‌باشد و به ازای هر مقوله (۳ مقوله پدیدار شده) «۲» مؤلفه محوری بازآرایی گردیدند. این جزئیات ارائه‌شده در خصوص فرآیند کدگذاری با مرور درصد کدگذاری‌های محوری و درصد کدهای باز می‌تواند فرآیندِ رسیدن به نقطه اشباع تئوری را توجیه نماید، چراکه برای دستیابی به نقطه اتمام انجام مصاحبه، می‌بایست با انجام کدگذاری در پایان هر مصاحبه و مشخص شدن تعداد کدهای باز، سطح توازن نسبی اختصاص کدهای باز به مضامین مفهومی و سپس به مؤلفه‌های محوری مدنظر قرار گیرد تا با حفظ چنین توازنی به توان در ابعاد شناسایی‌شده پدیده محوری یکپارچگی قابل‌اتکایی به لحاظ روایی ایجاد نمود. در ادامه نیز بر اساس شروع تکرار مضامین در دسته‌بندی

مصاحبه‌های اول تا هفتم و سپس هشتم تا چهاردهم تا رسیدن به نقطه اشباع تئوریک، اقدام به تفکیک تعداد کدهای باز به‌دست‌آمده از هر مصاحبه و درصد فراوانی آن شده است.

جدول ۳ تفکیک کدهای باز پدیدار شده در پایان هر مصاحبه

ردیف مصاحبه‌ها	تعداد کدهای هر مصاحبه	درصد فراوانی	ردیف مصاحبه‌ها	تعداد کدهای هر مصاحبه	درصد فراوانی
مصاحبه اول	۴۱	٪ ۱۴/۱۸	مصاحبه هشتم	۱۷	٪ ۶/۰۲
مصاحبه دوم	۳۷	٪ ۱۲/۷۶	مصاحبه نهم	۱۵	٪ ۵/۳۱
مصاحبه سوم	۳۰	٪ ۱۰/۲۸	مصاحبه دهم	۱۶	٪ ۵/۳۱
مصاحبه چهارم	۲۷	٪ ۹/۲۱	مصاحبه یازدهم	۱۴	٪ ۴/۶۰
مصاحبه پنجم	۲۲	٪ ۷/۴۴	مصاحبه دوازدهم	۱۲	٪ ۳/۹۰
مصاحبه ششم	۲۱	٪ ۷/۰۹	مصاحبه سیزدهم	۱۱	٪ ۳/۵۴
مصاحبه هفتم	۲۱	٪ ۷/۰۹	مصاحبه چهاردهم	۹	٪ ۳/۲۷
تعداد کل کدهای باز	۱۹۹	٪ ۶۸/۰۵	تعداد کل کدهای باز	۹۴	٪ ۳۱/۵

همان‌طور که مشاهده می‌شود، به ازای هر مصاحبه صورت گرفته، مشخص‌شده چه تعداد کد باز پس از پایان مصاحبه و کدگذاری صورت گرفته تعیین‌شده است که درنهایت در نقطه اشباع تئوریک «۲۹۳» کد باز به ازای درصد فراوانیِ هر مصاحبه مشخص‌شده است. این جدول هم‌چنین نشان‌دهنده این موضوع است که کدهای باز پدیدارشده از مصاحبه اول به مصاحبه‌های آخر روند تدریجی را طی نموده است که این موضوع می‌تواند با حذف تکرارها و تمرکز بر ظهور کدهای جدید بیشتر، حکایت از طی صحیح سیر داستان از مرحله کدگذاری باز به محوری و سپس انتخابی باشد.

شکل ۳ درصد فراوانی سیر نزولی کدهای باز هر مصاحبه

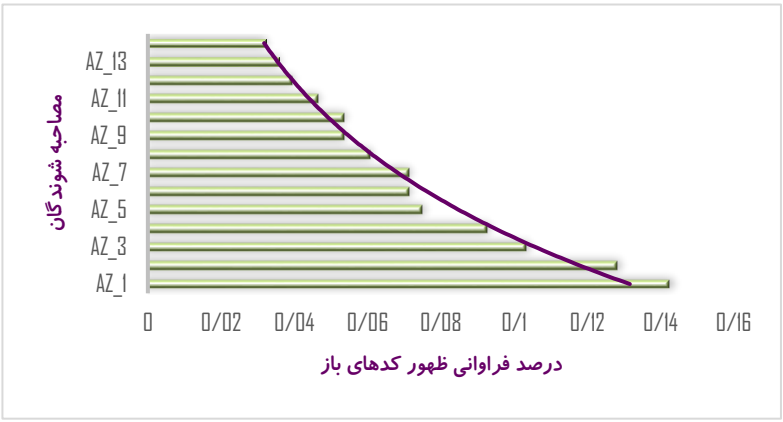

لذا با تعیین جزئیات مسیر طی شده به لحاظ پیاده‌سازی فرآیند نظریه داده بنیاد مبنی بر شناسایی جنبه‌های نوظهور پدیده محوری مطالعه، طبق جدول ۴ نسبت به مشخص نمودن ابعاد در هر بخش از کدهای انجام‌شده اقدام می‌شود.

جدول ۴ فرآیند تفکیک کدهای شناسایی‌شده پدیده محوری در جریان مصاحبه

کدگذاری تئوری	کدگذاری‌های اصلی			
	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	
طبقه‌بندی اصلی	مقوله‌ها	مؤلفه‌های اصلی	مضامین مفهومی	
کارکردهای گزارشگری پارانوئید	کارکردهای عملکرد مالی	افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری	افشای جزئیات ریسک اطلاعاتی	
			افشاء جزئیات ریسک کیفیت محصولات	
			افشاء جزئیات ریسک نوسانات مؤثر نرخ ارز	
			افشاء جزئیات ریسک قیمت نهادهای تولید	
			افشاء جزئیات ریسک کاهش قیمت محصولات	
			افشاء جزئیات ریسک تبادلات تجاری	
			افشاء جزئیات ریسک نقدینگی	
		افشاء زمینه‌های دارایی‌های نامشهود	افشاء سرمایه‌گذاری پژوهش و توسعه تولید	
			افشاء سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات	
			افشاء امتیازات تجاری	
			افشاء ارزش‌گذاری حقوقی ضمانت‌نامه‌های تعهدی	
			افشاء قراردادهای مشارکت و کنسرسیوم‌های استراتژیک	
			افشاء هزینه‌های آموزش سرمایه‌های انسانی	
	کارکردهای عملکرد حاکمیتی	افشاء زمینه‌های اختصاص پاداش و مزایا	افشاء میزان پاداش مدیران عالی شرکت	
			افشاء میزان پاداش اعضای هیئت‌مدیره	
			افشاء میزان درصد مالکیتی مدیران از سهام شرکت	
			افشاء میزان درصد مالکیتی اعضای هیئت‌مدیره از سهام شرکت	
			افشاء میزان درصد سهم اجرای پروژه‌ها (طرح‌های عملکردی) به مدیران	
			افشاء میزان اضافات پرداخت به اعضای هیئت‌مدیره	
			افشاء میزان حق اختیار سهام مدیران و اعضای	

		هیئت‌مدیره
		افشاء تعداد اعضای کنترل داخلی
		افشاء سطح تخصص اعضای کنترل داخلی
		افشاء گذراندن دوره‌های استاندارد کنترل داخلی شرکت
	افشاء زمینه‌های عملکرد کنترل داخلی	افشاء نتایج دوره‌ای ارزیابی نهادی ذیصلاح از کنترل داخلی شرکت
		افشاء اقدامات اصلاحی از جانب نهادهای بالادستی در کنترل داخلی شرکت
		افشاء نقاط ضعف کنترل داخلی شرکت
		افشاء نظرات حسابرسان مستقل در خصوص ریسک‌های کنترل داخلی شرکت
کارکردهای عملکرد اجتماعی	افشاء جنبه‌های اختیاری	افشاء میزان کمک‌های مرتبط با امور خیریه
		افشاء میزان آلایندگی‌های زیست‌محیطی
		افشاء میزان کربن
		افشاء میزان بازیافت ضایعات
		افشاء میزان استهلاک ماشین‌آلات و تجهیزات
		افشاء میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای
	افشاء رعایت حقوق ذینفعان	افشاء تعدد پرونده‌های حقوقی شرکت
		افشاء اعاده دادرسی علیه شرکت
		افشاء پرونده‌های مالیاتی
		افشاء گزارش‌های بازرسی قانونی
		افشاء موارد کلیدی گزارش حسابرسان مستقل
		افشاء موارد مرتبط با تجدید ارائه صورت‌های مالی

در ادامه باهدف سنجش پایایی ابعاد زمینه‌ای شناسایی‌شده مبنی بر ساخت پرسشنامه برای سنجش متغیر کارکردهای گزارشگری پارانوئید از فرآیند تحلیل دلفی بهره برده می‌شود که نتایج آن در جدول ۵ ارائه‌شده است.

جدول ۵ فرآیند تحلیل دلفی

		دور اول دلفی		دور دوم دلفی		
مؤلفه‌ها	مضامین	میانگین	ضریب	میانگین	ضریب	نتیجه

			توافق		توافق		
افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری	افشای جزئیات ریسک اطلاعاتی	۶/۱۰	۰/۸۲	۶/۳۰	۰/۸۵	تأیید	نتیجه تحلیل دلفی
	افشاء جزئیات ریسک کیفیت محصولات	۴	۰/۴۰	حذف			
	افشاء جزئیات ریسک نوسانات مؤثر نرخ ارز	۵/۲۵	۰/۶۵	۵/۵۰	۰/۷۰	تأیید	
	افشاء جزئیات ریسک قیمت نهادهای تولید	۵	۰/۶۰	۵/۲۰	۰/۶۲	تأیید	
	افشاء جزئیات ریسک کاهش قیمت محصولات	۵/۵۰	۰/۷۰	۶/۰۰	۰/۸۰	تأیید	
	افشاء جزئیات ریسک تبادلات تجاری	۳/۵۰	۰/۳۵	حذف			
	افشاء جزئیات ریسک نقدینگی	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۴۵	۰/۶۸	تأیید	
افشاء زمینه‌های دارایی‌های نامشهود	افشاء سرمایه‌گذاری پژوهش و توسعه تولید	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۴۵	۰/۶۸	تأیید	
	افشاء سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۳۰	۰/۸۵	تأیید	
	افشاء امتیازات تجاری	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید	
	افشاء ارزش‌گذاری حقوقی ضمانت‌نامه‌های تعهدی	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۵۰	۰/۷۰	تأیید	
	افشاء قراردادهای مشارکت و کنسرسیوم‌های استراتژیک	۲/۰۰	۰/۲۰	حذف			
	افشاء هزینه‌های آموزش سرمایه‌های انسانی	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۴۵	۰/۶۸	تأیید	
افشاء زمینه‌های اختصاص پاداش	افشاء میزان پاداش مدیران عالی شرکت	۵/۵۰	۰/۷۰	۶/۱۰	۰/۸۲	تأیید	
	افشاء میزان پاداش اعضای هیئت‌مدیره	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید	
	افشاء میزان درصد مالکیتی مدیران از سهام شرکت	۵/۵۰	۰/۷۰	۶/۰۰	۰/۸۰	تأیید	
	افشاء میزان درصد مالکیتی اعضای هیئت‌مدیره	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۵۰	۰/۷۰	تأیید	
	افشاء میزان درصد سهم اجرا پروژه‌ها به مدیران	۳/۵۰	۰/۳۵	حذف			
	افشاء میزان اضافات پرداخت به اعضای هیئت‌مدیره	۲	۰/۲۰	حذف			
	افشاء میزان حق اختیار سهام مدیران و اعضای هیئت‌مدیره	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۴۵	۰/۶۸	تأیید	
افشاء زمینه‌های کنترل داخلی	افشاء تعداد اعضای کنترل داخلی	۵/۵۰	۰/۷۰	۶/۱۰	۰/۸۲	تأیید	
	افشاء سطح تخصص اعضای کنترل داخلی	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۵۰	۰/۷۰	تأیید	
	افشاء گذراندن دوره‌های استاندارد کنترل داخلی شرکت	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید	
	افشاء نتایج دوره‌ای ارزیابی نهادی ذیصلاح از کنترل داخلی	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۴۵	۰/۶۸	تأیید	
	افشاء اقدامات اصلاحی نهادهای بالادستی در کنترل داخلی	۲/۰۰	۰/۲۰	حذف			
	افشاء نقاط ضعف کنترل داخلی شرکت	۶/۱۰	۰/۸۲	۶/۳۰	۰/۸۵	تأیید	
	افشاء نظرات حسابرسان مستقل ریسک‌های کنترل داخلی	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۱۰	۰/۸۲	تأیید	
افشاء جنبه‌های اختیاری	افشاء میزان کمک‌های مرتبط با امور خیریه	۵/۱۵	۰/۵۸	۵/۳۵	۰/۶۸	تأیید	
	افشاء میزان آلایندگی‌های زیست‌محیطی	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۳۰	۰/۶۵	تأیید	
	افشاء میزان کربن	۳/۵۰	۰/۳۵	حذف			
	افشاء میزان بازیافت ضایعات	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید	
	افشاء میزان استهلاک ماشین‌آلات و تجهیزات	۶/۱۰	۰/۸۲	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید	
	افشاء میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۳۰	۰/۶۵	تأیید	

افشاء رعایت حقوق ذینفعان	افشاء تعدد پرونده‌های حقوقی شرکت	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید	
	افشاء اعاده دادرسی علیه شرکت	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۳۰	۰/۶۵	تأیید	
	افشاء پرونده‌های مالیاتی	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۳۵	۰/۶۸	تأیید	
	افشاء گزارش‌های بازرسی قانونی	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید	
	افشاء موارد کلیدی گزارش حسابرسان مستقل	۴	۰/۴۰	حذف			
	افشاء موارد مرتبط با تجدید ارائه صورت‌های مالی	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۳۵	۰/۶۸	تأیید	

نتایج بر اساس دو راند انجام تحلیل دلفی، نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که از مجموع ۳۹ مضمون برآمده از مرحله‌ی تحلیل گرندد تئوری، ۸ مضمون مفهومی به دلیل اینکه میانگینی کمتر از ۵/۰۰ و ضریب توافقی کمتر از ۰/۵۰ داشتند، حذف شدند. لذا با تأیید پایایی مابقی معیارهای شناسایی‌شده، چارچوب کارکردهای گزارشگری پارانوئید به ترتیب زیر قابل‌ارائه می‌باشد.

شکل ۴ چارچوب کارکردهای گزارشگری پارانوئید

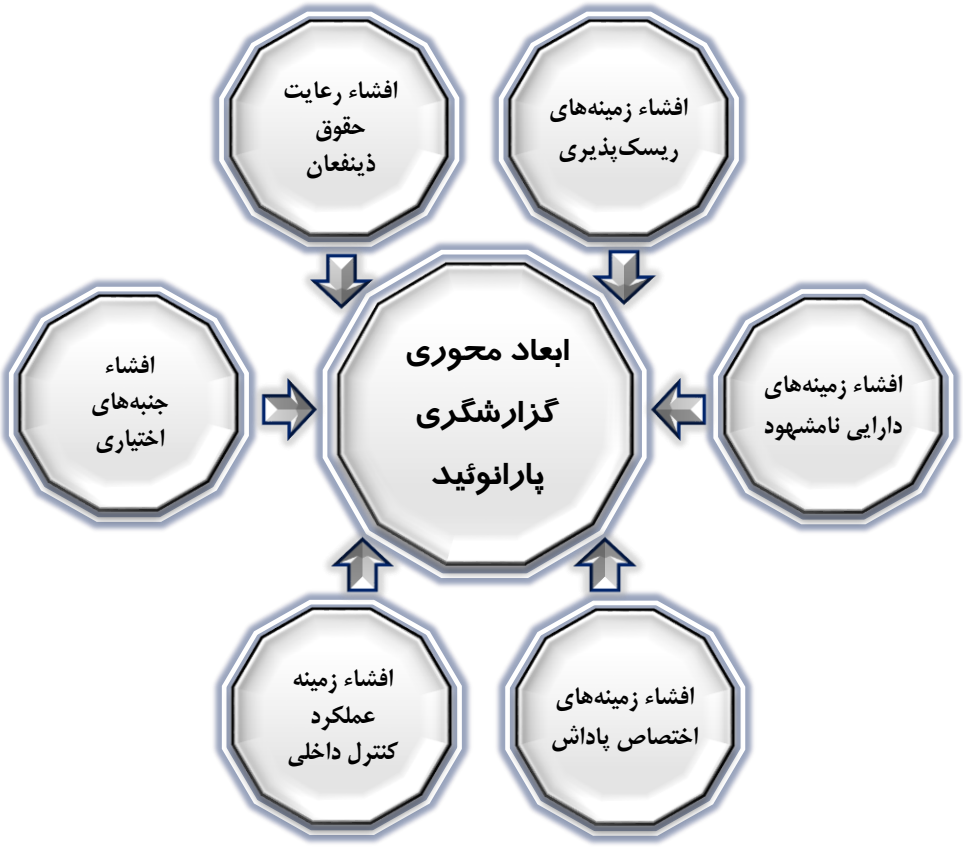

لذا با تأیید این معیارها در ادامه و در فاز دوم مطالعه به لحاظ پیاده‌سازی رتبه‌بندی تفسیری، می با اختصاص کدهای «$P_{n\times m}$» به هر مؤلفه محوری نسبت به انجام مقایسه زوجی به‌صورت سطری «i» و ستونی «j» اقدام نمود. در این فرآیند در راستای سؤال دوم پژوهش مبنی بر انتخاب محوری‌ترین بعد انتخاب مؤلفه‌های شناسایی‌شده از طریق ماتریس ساری‌های متناظر می‌بایست با تعیین یک اختصار مبنای انجام تحلیل را تسهیل نمود. از رو در این رابطه «P» را می‌بایست کد هر مؤلفه محوری؛ «n» را می‌بایست اختصار هر مقوله و «m» را می‌بایست ردیف هر مؤلفه معرفی نمود. لذا طبق جدول ۶ این اختصار گزاری انجام می‌شود.

جدول ۶ اختصارگذاری مؤلفه‌های محوری

مقوله‌های ساختاری «n»	مؤلفه‌های محوری «I»	اختصارهای نمادین
کارکردهای عملکرد مالی ($n \to 1$)	افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری	P_{11}
	افشاء زمینه‌های دارایی‌های نامشهود	P_{12}
کارکردهای عملکرد حاکمیتی ($n \to 2$)	افشاء زمینه‌های اختصاص پاداش و مزایا	P_{21}
	افشاء زمینه‌های عملکرد کنترل داخلی	P_{22}
کارکردهای عملکرد اجتماعی ($n \to 3$)	افشاء جنبه‌های اختیاری	P_{31}
	افشاء رعایت حقوق ذینفعان	P_{32}

به‌عنوان‌مثال در جدول ۶ اختصار «P_{11}» بازنمایی کننده مؤلفه اول از مقوله ساختاری اول می‌باشد یا «P_{32}» بازنمایی کننده مؤلفه دوم از سوم می‌باشد. لذا با درک این تفکیک‌ها به‌منظور تسهیل شرایط ماتریسی در ادامه، نسبت به توسعه ماتریس خود تعاملی اقدام می‌شود. لذا با اتکا به تشریح روابط امتیاز ماتریسی به‌صورت زیر، نسبت به پیاده‌سازی مرحله‌ی اول ایجاد ماتریس‌های تعاملی مدنظر قرار می‌گیرد.

- نماد «$\mathbf{V}$»: نشان‌دهنده تأثیر مؤلفه سطر «i» یعنی «B» بر مؤلفه ستون «j» یعنی «B'»؛
- نماد «$\mathbf{A}$»: نشان‌دهنده تأثیر معکوس نماد «V» است که مبنای تأثیر مؤلفه ستون «j» یعنی «B'» بر مؤلفه‌ی سطر «i» یعنی «B» تلقی می‌شود؛
- نماد «$\mathbf{X}$»: نشان‌دهنده تأثیر دوسویه و متقابل مؤلفه‌ی سطر «i» یعنی «B» بر مؤلفه ستون «j» یعنی «B'» و بالعکس می‌باشد.
- نماد «$\mathbf{O}$»: نشان‌دهنده عدم تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مؤلفه‌ی سطر «i» یعنی «B» بر مؤلفه ستون «j» یعنی «B'» نلقی می‌شود.

درواقع هر یک از نمادهای اختصاری تشریح شده، بر اساس چهار نوع از اثرگذاری سطری «i» و ستونی «j» زمینه را برای تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری طبق جدول ۷ مهیا می‌کند.

جدول ۷ ماتریس خود تعاملی مؤلفه‌های محوری

مؤلفه‌های مستقر سطر «i»		P	P_{11}	P_{12}	P_{21}	P_{22}	P_{31}	P_{32}
	افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری	P_{11}	□	V	V	V	X	V
	افشاء زمینه‌های دارایی‌های نامشهود	P_{12}		□	O	O	V	X
	افشاء زمینه‌های اختصاص پاداش و مزایا	P_{21}			□	O	A	O
	افشاء زمینه‌های عملکرد کنترل داخلی	P_{22}				□	V	O
	افشاء جنبه‌های اختیاری	P_{31}					□	A
	افشاء رعایت حقوق ذینفعان	P_{32}						□
			مؤلفه‌های مستقر ستون «j»					

در ادامه می‌بایست بر اساس کسب اختصار «A» در تقاطع مقایسه‌ی زوجی سطر «i» و ستون «j» نسبت به ارائه‌ی ماتریس تفسیری اقدام نمود. درواقع در این بخش ارتباطات غیرمستقیمی که می‌تواند در ارزیابی کلی روابط ماتریسی مؤثر باشد، ارائه می‌گردد تا در جمع‌بندی نهایی، مؤثرترین مؤلفه‌ی محوری در بستر مطالعه مشخص شود. نتایج این بخش از تفاسیر ماتریسی در جدول ۸ ارائه‌شده است.

جدول ۸ تحلیل تفسیری ماتریس قطبی

P	P_{11}	P_{12}	P_{21}	P_{22}	P_{31}	P_{32}
P_{11}					افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری بخشی از جنبه‌های اختیاری	
P_{12}						افشاء زمینه‌های دارایی‌های نامشهود مبنای رعایت حقوق ذینفعان
P_{21}						
P_{22}						
P_{31}	افشاء جنبه‌های اختیاری دربرگیرنده		افشاء جنبه‌های اختیاری			

	زمینه‌های ریسک‌پذیری شرکت		دربرگیرنده زمینه‌های اختصاص پاداش و مزایا				
P_{32}		افشاء رعایت حقوق ذینفعان مبنای برای ارزیابی زمینه‌های دارایی‌های نامشهود			افشاء رعایت حقوق ذینفعان مبنای برای ارزیابی افشاء جنبه‌های اختیاری		

سپس بر اساس نمادهای اختصاری ارائه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در جدول ۷ می‌بایست اقدام به تشکیل ماتریس دستیابی نمود. برای این منظور لازم است تا طبق جدول ۹ فرآیندهای تبدیل نمادهای اختصاری موردتوجه قرار گیرد.

- اختصار «**V**»: با قرار گرفتن این اختصار در تقاطع ماتریسی سطری و ستونی، مؤلفه‌ی «B» در سطر «i» عدد «یک» را به خود اختصاص می‌دهد و به مؤلفه‌ی «B'» در ستون «j» عدد «صفر» اختصاص می‌یابد.
- اختصار «**A**»: با قرار گرفتن این اختصار در تقاطع ماتریسی سطری و ستونی، مؤلفه‌ی «B'» در ستون «j» عدد «یک» را به خود اختصاص می‌دهد و به مؤلفه‌ی «B» در سطر «i» عدد «صفر» اختصاص می‌یابد.
- اختصار «**X**»: با قرار گرفتن این اختصار در تقاطع ماتریسی سطری و ستونی، مؤلفه‌ی «B» در سطر «i» عدد «یک» را به خود اختصاص می‌دهد و به مؤلفه‌ی «B'» در ستون «j» عدد «یک» اختصاص می‌یابد.
- اختصار «**O**»: با قرار گرفتن این اختصار در تقاطع ماتریسی سطری و ستونی، مؤلفه‌ی «B» در سطر «i» عدد «صفر» را به خود اختصاص می‌دهد و به مؤلفه‌ی «B'» در ستون «j» عدد «صفر» اختصاص می‌یابد.

درواقع توضیح‌های ارائه‌شده، جدول (۶) را که نشان‌دهنده ماتریس خود تعاملی می‌باشد، به جدول ۹ به‌عنوان معرف ماتریس دستیابی اولیه «Reachability Matrix» تبدیل می‌کند. درواقع ماتریس دستیابی از تبدیل ماتریس خود تعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست می‌آید.

جدول ۹ ماتریس دستیابی اولیه مؤلفه‌های محوری

مؤلفه‌های مستقر سطر «i»		P	P_{11}	P_{12}	P_{21}	P_{22}	P_{31}	P_{32}
	افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری	P_{11}	□	۱	۱	۱	۱	۱
	افشاء زمینه‌های دارایی‌های نامشهود	P_{12}	۰	□	۰	۰	۱	۱
	افشاء زمینه‌های اختصاص پاداش و مزایا	P_{21}	۰	۰	□	۰	۰	۰
	افشاء زمینه‌های عملکرد کنترل داخلی	P_{22}	۰	۰	۰	□	۱	۰
	افشاء جنبه‌های اختیاری	P_{31}	۱	۰	۱	۰	□	۰
	افشاء رعایت حقوق ذینفعان	P_{32}	۰	۱	۰	۰	۱	□
			مؤلفه‌های مستقر ستون «j»					

با تبدیل نمادهای اختصـــاری نمادهای ماتریس خود تعاملی به صـــفر و یک در جدول ۹ می‌بایست نسبت به تعیین ماتریس دستیابی نهایی طبق جدول ۱۰ اقدام نمود. در این ماتریس روابط قطری که توجیه‌کننده‌ی دلایل اثرگذاری غیرمســتقیم ســه مؤلفه‌ی محوری می‌باشــند با نماد «*۱» مشخص شوند. به‌عبارت‌دیگر، در تحلیل ساختاری شدت روابط ماتریس به‌دست‌آمده از ماتریس دســتیابی اولیه باید ضــرایبی با ماهیت «۰»، «۱» و «*۱» را در نظر گرفت، تا بتوان علاوه بر تعیین تأثیر مستقیم و معکوس، تأثیر قطر اصلی معیارهای سطری و ستونی مشخص گردد.

جدول ۱۰ ماتریس دستیابی نهایی مؤلفه‌های محوری

مؤلفه‌های مستقر سطر «i»		P	P_{11}	P_{12}	P_{21}	P_{22}	P_{31}	P_{32}
	افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری	P_{11}	۱	۱	۱	۱	۱	۱
	افشاء زمینه‌های دارایی‌های نامشهود	P_{12}	۰	۱	۰	۰	۱	۱
	افشاء زمینه‌های اختصاص پاداش و مزایا	P_{21}	۰	۰	۱	۱*	۰	۱*
	افشاء زمینه‌های عملکرد کنترل داخلی	P_{22}	۰	۰	۰	۱	۱	۱*
	افشاء جنبه‌های اختیاری	P_{31}	۱	۰	۱	۰	۱	۰
	افشاء رعایت حقوق ذینفعان	P_{32}	۰	۱	۰	۰	۱	۱
			مؤلفه‌های مستقر ستون «j»					

در این فرآیند تقاطع دو مؤلفه در سطر «i» و ستون «j» زمانی که عدد «صفر» گرفته است، می‌بایست بررسی گردد آیا تقاطع مؤلفه‌ی سوم و دوم، از اثرگذاری مستقیم و عدد «یک» برخوردار است یا خیر. اگر عدد «یک» گرفته است این به معنای آن است که تأثیر مؤلفه‌ی اول بر مؤلفه‌ی دوم به‌صورت قطبی است و با نماد «*۱» می‌بایست در ماتریس دستیابی نهایی مشخص گردد. درواقع این ماتریس در راستای تعیین اثر قطبی بین مؤلفه‌های محوریِ مقایسه‌ی زوجی i امین صورت می‌گیرد تا مشخص گردد مقایسه‌ی زوجی تمام عناصر از $(i+1)$ ام تا n ام می‌تواند از اثر قطبی برخوردار باشد یا خیر. لذا به‌منظور ملموس نمودن این ماتریس می‌بایست طبق جدول ۱۱ نسبت به قرار دادن نماد «☑» در تقاطع مربوطه اقدام نمود.

جدول ۱۱ چک‌لیست ماتریس قطبی مؤلفه‌های محوری

$P_{11} \dots P_{32}$									
$P_{11}-P_{12}$	$P_{12}-P_{11}$	$P_{11}-P_{21}$	$P_{21}-P_{11}$	$P_{11}-P_{22}$	$P_{22}-P_{11}$	$P_{11}-P_{31}$	$P_{31}-P_{11}$	$P_{11}-P_{32}$	$P_{32}-P_{11}$
						☑	☑		

$P_{12} \dots P_{32}$							
$P_{12}-P_{21}$	$P_{21}-P_{12}$	$P_{12}-P_{22}$	$P_{22}-P_{12}$	$P_{12}-P_{31}$	$P_{31}-P_{12}$	$P_{12}-P_{32}$	$P_{32}-P_{12}$
						☑	☑

$P_{21} \dots P_{32}$					
$P_{21}-P_{22}$	$P_{22}-P_{21}$	$P_{21}-P_{31}$	$P_{31}-P_{21}$	$P_{21}-P_{32}$	$P_{32}-P_{21}$
			☑		

$P_{22} \dots P_{32}$			
$P_{22}-P_{31}$	$P_{31}-P_{22}$	$P_{22}-P_{32}$	$P_{32}-P_{22}$

$P_{31}-P_{32}$	
$P_{31}-P_{32}$	$P_{31}-P_{32}$
	☑

بر اساس، ماتریس قطبی مسئله‌ای موردتوجه، تمرکز بر تأثیر پنهان بین مؤلفه‌های محوری در سطر «i» و ستون «j» می‌باشد. لذا بر اساس این فرآیند می‌تواند طبق جدول ۱۲ نسبت به تشریح روابط ماتریس قطبی اقدام نمود.

جدول ۱۲ تشریح روابط ماتریس قطبی

ماتریس‌های مؤثر	روابط قطری سطر «i» و ستون «j»	تشریح ماتریس ققطبی
قطب ماتریسی مؤلفه‌ی «P_{21}»	$P_{21} \neq P_{22}, P_{22} \rightarrow P_{31}, P_{21} \cong P_{22}$	تأثیری بین مؤلفه‌ی «P_{21}» نسبت به «P_{22}» وجود ندارد، اما به دلیل تأثیر مستقیم «P_{22}» بر «P_{31}»، می‌توان تأثیر قطبی «P_{21}»بر «P_{22}» را تأیید نمود.
	$P_{21} \neq P_{32}, P_{32} \rightarrow P_{32}, P_{21} \cong P_{32}$	تأثیری بین مؤلفه‌ی «P_{21}» نسبت به «P_{32}» وجود ندارد، اما به دلیل تأثیر مستقیم «P_{32}» بر «P_{32}»، می‌توان تأثیر قطبی «P_{21}» بر «P_{32}» را تأیید نمود.
قطب ماتریسی مؤلفه‌ی «P_{22}»	$P_{22} \neq P_{32}, P_{32} \rightarrow P_{32}, P_{22} \cong P_{32}$	تأثیری بین مؤلفه‌ی «P_{22}» نسبت به «P_{32}» وجود ندارد، اما به دلیل تأثیر مستقیم «P_{32}» بر «P_{32}»، می‌توان تأثیر قطبی «P_{22}» بر «P_{32}» را تأیید نمود.

با توجه به مشخص شدن، سطح تأثیرگذاری مستقیم؛ غیرمستقیم و قطبی مؤلفه‌های محوری، در گام بعد اقدام به تعیین درصدهای امتیاز مجموع سطح تأثیرگذاری‌ها می‌شود که این نتایج در قالب جدول ۱۳ ارائه‌شده است.

جدول ۱۳ ماتریس امتیازی نهایی مؤلفه‌های محوری

		تأثیرگذاری مستقیم	تأثیرگذاری قطبی	تأثیرگذاری تفسیری	تأثیرگذاری کلی	درصد تأثیرگذاری جامع		
مؤلفه‌های محوری	P_{11}	۶	۰	۱	۷	۲۵٪/۹۲	اول	Rank
	P_{12}	۳	۰	۱	۴	۱۴٪/۸۱	سوم	
	P_{21}	۱	۲	۰	۳	۱۱٪/۱۲	چهارم	
	P_{22}	۲	۱	۰	۳	۱۱٪/۱۲	چهارم	
	P_{31}	۳	۰	۲	۵	۱۸٪/۵۱	دوم	
	P_{32}	۳	۰	۲	۵	۱۸٪/۵۱	دوم	
	مجموع	۱۸	۳	۶	۲۷			
	درصد	۶۶٪/۶۶	۱۱٪/۱۱	۲۲٪/۲۲				

بر اساس درصد تأثیرگذاری هریک از فرآیندهای ماتریسی مشخص شد، مؤلفه‌ی محوری افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری «P_{11}» به دلیل مجموع امتیازهای ماتریسی، محوری‌ترین بُعدِ بازنمایی گزارشگری پارائونید در سطح شرکت‌های تجاری تلقی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه دوفازی به لحاظ روش‌شناسی، اولاً ارائه الگویی از بازنمایی شیوه گزارشگری پارانوئید و ثانیاً ارزیابی ماتریسی آن برای تعیین محوری‌ترین بُعدِ شناسایی‌شده در بستر شرکت‌های تجاری می‌باشد. لذا ازآنجایی‌که این پدیده نوظهور از جنبه‌های شناختی کافی برای پیاده‌سازی و بسط ادبیات نظری برخوردار نمی‌باشد، تمرکز بر روش تحلیل گرندد تئوری به‌عنوان یک مبنای بازنمایی از جنبه‌های این پدیده، می‌تواند به شناخت منسجم‌تر در ادبیات حسابداری کمک نماید. به همین دلیل طی ۱۴ مصاحبه انجام‌شده با خبرگان، تعداد ۲۹۳ کد باز پدیدار شد که در فاصله فرآیند کدگذاری باز و محوری منجر به ظهور ۳۹ مضمون گزاره‌ای گردید. همچنین از حدفاصل فرآیند کدگذاری محوری و انتخابی نیز پژوهش زمینه‌ساز ظهور ۶ مؤلفه محوری در قالب ۳ مقوله سازه‌ای گردید که به‌صورت یک الگوی گزارشگری پارانوئید، مشخص‌کننده ابعاد قابل توصیف این پدیده در بستر مطالعه بود. سپس باهدف تعمیم مؤلفه‌های محوری به بستر مطالعه مبنی بر ارزیابی ماتریسی، از تحلیل دلفی بهره برده شد تا طی تعیین مقادیر میانگین و ضریب توافق، مشخص گردد تمامی مؤلفه‌های محوری از تعمیم‌پذیری متناسبی به فاز کمّی مطالعه برخوردار هستند. لذا مطالعه با پشتوانه‌ی این نتایج، نسبت به انجام فاز ماتریسی اقدام نمود تا بر اساس مقیاس‌های زوجی در سطر «i» و ستون «j»، محوری‌ترین بُعدِ برآمده از پدیده موردبررسی مشخص گردد. لذا نتایج مطالعه حاکی از این است که مؤلفه‌ی محوری افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری «P_{11}» به دلیل مجموع امتیازهای ماتریسی، محوری‌ترین بُعدِ بازنمایی گزارشگری پارائونید در سطح شرکت‌های تجاری تلقی می‌شود.

در تفسیر نتیجه به‌دست‌آمده بایستی اذعان گردد، همان‌طور که از رویکرد نظری گزارشگری پارانوئید قابل استنباط می‌باشد، این سطح از گزارشگری به شکل جسورانه‌ای در پی شفافیت از جزئی‌ترین فرآیندهای عملیاتی شرکت‌ها می‌باشد تا در راستای مأموریت حرفه حسابداری، توازن و تقارن بین شرکت با سایر ذینفعان را ایجاد نماید. کارکرد

پارائوئید در گزارشگری را می‌بایست نوعی آشکارسازی ضمنی در انعکاس تمامی اطلاعات به شکل جامعیت و شمولیت تلقی نمود که به فراگیری جنبه‌هایی از شناخت ادراکی تصمیم‌گیرندگان در بازار رقابتی کمک می‌کند و زمینه‌ساز محیط باکیفیت اطلاعات می‌گردد. لذا بسط این پدیده به بستر کارکردهای گزارشگری مالی را می‌بایست موهبتی برای تصمیم‌گیرندگان مالی تلقی نمود، چراکه در سایه هنجارهای قابل شکل‌گیری در افشاء اطلاعات با محتوای بیشتر و اغراق کمتر، این فرصت را به ذینفعان می‌دهد تا از قابلیت‌های بالاتری برای تصمیم‌گیری‌های مالی برخوردار باشند. در این شرایط شرکت‌ها نیز بی‌بهره نخواهند بود چراکه اعتماد منبعث از بروز چنین فرآیندهای عملکردی در قالب گزارشگری پارانوئید، می‌تواند در بلندمدت به مشروعیت بالاتر شرکت‌ها منجر شود. لذا همان‌طور که مشخص شد، محوری‌ترین بعد بازنمایی الگوی گزارشگری پارانوئید، افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری شرکت به شکل منسجم و در قالب دسته‌بندی‌هایی از سطح عملکردهای فنی و جزء تا سطح عملکردهای کلان شرکت‌ها را در بر می‌گیرند و می‌تواند نشان‌دهنده شفافیت شرکت در برابر ذینفعانی باشند که از آنان انتظار دارند تا واقعیت‌ها را همان‌طور که هست و نه آن‌طور که با لحن مثبت و همراه با پنهان‌سازی اخبار منفی است، به آنان منعکس نمایند. جریان‌هایی که می‌تواند از جنبه‌های مختلفی از تأثیر تغییرات ارز برای عملکردهای مالی یا ریسک ناشی از تبادلات تجاری و نقدینگی شرکت‌ها را شامل گردد. از طرف دیگر، محور دوم مؤثر در بازنمایی گزارشگری پارانوئید را می‌بایست به افشاء رعایت حقوق ذینفعان نسبت داد که در آن کارکردهای گزارشگری با افشاء رویه‌های اطلاعاتی مرتبط با پرونده‌های مالیاتی، حقوقی، بازرسی‌های قانونی و همچنین ارائه گزارش‌های حسابرسان مستقل، می‌تواند به افزایش سطح واقعیت‌های عملکردی مطلوب‌تر که طلیعه‌دار صیانت از حقوق ذینفعانی است که الزاماً دسترسی به نظارت‌های شفاف بر افشاء تمام و کامل عملکردهای مالی شرکت‌ها ندارد، بسیار مؤثر باشد. لذا بر اساس تفسیر نتایج می‌بایست گزارشگری پارانوئید را مبنایی برای شکستن تعصب‌های تجاری شرکت در انحصار و گزینشی عمل نمودن افشاء اطلاعات تلقی نمود که می‌تواند تصویر واقع‌بینانه‌تری از آگاهی عملکردی شرکت‌ها را به تصمیم‌گیرندگان مالی منتقل نماید. فرآیندی که با ترویج ارزش‌ها و هنجارهای عمل‌گرایانه در افشاء اطلاعات توسط شرکت‌ها می‌تواند به رویه‌هایی از افشاء اطلاعات با لحن و زبانی واقع‌گرایانه به

استفاده‌کنندگان از اطلاعات منجر شود و شناخت ضمنی و قابل‌اتکاتری را برای ذینفعان به وجود بیاورد. نتایج این مطالعه به دلیل مغایرت با شیوه‌های تحلیلی در مطالعه‌های گذشته، الزاماً به‌صورت مصداقی قابل‌مقایسه نمی‌باشد، اما می‌توان به لحاظ اهمیت نظری مفهوم گزارشگری پارانوئید، این مطالعه را با پژوهش‌هایی همچون لوئیز و آبهیشک (۲۰۲۴)؛ رادرفورد (۲۰۲۳) ومونیسا (۲۰۲۲) مورد مقایسه قرار داد.

در راستای نتایج کسب‌شده در ابتدا می‌توان به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی توصیه نمود تا با به‌کارگیری جنبه‌های توسعه هنجاری مثل مشوق‌ها و محرک‌های انگیزه‌بخش ارتقاء جایگاه اعتباری، شرکت‌های تجاری را در افشاء فراگیر اطلاعات به شکل منسجم‌تری تحریک نمایند تا در بازه زمانی کوتاهی، ارزش‌گرایی مبتنی بر افشاء واقع‌گرایانه اطلاعات بتواند سطح آگاهی‌های تصمیم‌گیرندگان مالی را توسعه بخشد. چراکه وقایع گذشته بازار مالی ایران در خصوص شکل‌گیری جنبش‌های منفی در بین سرمایه‌گذاران مبنی بر بی‌اعتمادی، سبب شده تا سطح تمایل بالاتری به تغییر استراتژی‌های سرمایه‌گذاری به سمت بازارهای پولی به‌سرعت در حال شکل‌گیری باشد. لذا اقدامات لازم در راستای توسعه‌ی کارکردهای گزارشگری پارانوئید همچون ارائه‌ی گزارش‌های تفسیری مدیریتی؛ به‌کارگیری فرآیند رتبه‌بندی اطلاعات و افشاء جزئیات ریسک را می‌توان ازجمله کارکردهای تلقی نمود که نهادهای نظارتی می‌توانند شرکت‌ها را در ارائه به‌موقع و قابل‌اتکا به ذینفعان تحریک نمایند. همچنین شرکت‌ها می‌بایست با برگزاری جلسات متوالی با سهامداران خود، سیاست‌گذاری‌های خود مبنی بر افشاء واقع‌بینانه‌ی اطلاعات را به آنان انتقال دهند تا مانع از بروز ریسک فاکتورهای محرکی در تصمیم‌گیری‌های مالی در برابر شرکت گردند که به دلیل ناهنجاری ایجادشده، باعث پیامدهای منفی مانند ریسک سقوط قیمت سهام شوند.

ازآنجایی‌که این مطالعه به‌صورت ترکیبی انجام‌شده است، محدودیت‌هایی که می‌توان اشاره نمود، در وهلهٔ اول این است که بر اساس انجام مصاحبه و بدیع بودن پدیدهٔ محوری مطالعه، این محدودیت وجود دارد که تمامی جنبه‌هایی که ممکن است در بازنمایی گزارشگری پارانوئید می‌تواند مدنظر قرار داده شود، پوشش داده نشده باشد. اگرچه این محدودیت در آینده و بر پایهٔ ویژگی‌های شناختی فزاینده‌تری از آن در ادبیات نظری بسط می‌یابد می‌تواند از طریق رویکردهای تحلیلی دیگر پوشش داده شود. در وهله دوم

محدودیت دیگر این مطالعه می‌تواند تعمیم‌پذیری یافته‌های این مطالعه به دلیل پایین بودن تعداد مشارکت‌کنندگان در بخش کمی باشد. اگرچه این فرآیند در مسیر دستورالعمل‌های اجرایی حرکت نموده است و با ارجاعاتی که اشاره‌شده است می‌تواند توجیه‌کننده باشد، اما می‌توان در پژوهش‌های آینده و از طریق شیوه‌های تحلیلی مثل معادلات ساختاری که با تعداد بالاتر مشارکت‌کنندگان انجام می‌شود در رفع این محدودیت اقدام نمود.

یادداشت‌ها

1. Hu et al.
2- Juliao-Rossi et al.
3- Financial Accounting Standards Board
4- International Accounting Standards Board
5- Power
6- Rutherford
7 - Pelger
8-Muniesa
9-Beckman and Di Leo
10 -Rutherford
11-Fan et al.
12-Muniesa
13-Lu
14 -Hofstadter
15 -Murphy et al.
16 -Muniesa
17-Beckman and Di Leo
18 -Short
19 -Schneiderman
20-Beckman
21 -Power
22 -Sociology of Accounting Reliability
23 -Financial Statements Restatement
24-Erb & Pelger
25 - Ravenscroft and Williams
26- Pelger
27- Lewis and Abhishek
28- Wang
29 - Glaser
30- Emerging Approaches
31- Turn and Turn
32- Scheibelhofer
33 - Speziale et al.
34- Sahoo and Thakur
35- John William et al.
36 - Veltmeyer and Mohamed

منابع

رستمی، محمدرضا.، عبدالحسینی، مریم.، ایدی، زینب. (۱۴۰۱). بررسی رفتار توده‌وار در صنایع پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و بازار نفت، *تحقیقات مالی*، ۲۴(۴): ۵۰۵-۵۲۷.

زارع، ایمان.، ترک‌زاده ماهانی، علی.، فاضلی، مهدی . (۱۴۰۳). تأثیر پارانوئید سازمانی بر تقلب در نظام گزارشگری مالی با میانجی‌گری وفاداری سازمانی، *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۶(۱): ۱-۳۳.

محسنی، عبدالرضا، رهنمای‌رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۸). عملکرد مالی و کارکردهای مدیریت لحن نوشتار در گزارشگری مالی، *فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۲): ۲۸-۱.

محمدی، جهانبخش.، جعفری‌دهکردی، حمیدرضا.، بنی‌طالبی‌دهکردی، بهاره. (۱۴۰۳). طراحی چارچوب کارکردهای گزارشگری پارانوئید و بررسی تأثیر آن بر لنگرهای ذهنی سهامداران، *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۱۳(۱): ۳۳۳-۳۷۳.

میرزائی، سعیده.، عبدلی، محمدرضا.، کوشکی‌جهرمی، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی متهورانه: حفاظت از حقوق سهامداران، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۷(۶۵): ۱۰۹-۱۳۸.

Beckman, F. (2020). The paranoid style in postcritique, symploke, 28(1/2): 37-49. https://doi.org/10.5250/symploke.28.1-2.0037

Beckman, F. and Di Leo, J.R. (2021). Paranoid politics: an introduction, symploke, 29(1/2): 9-19.

Erb, C. and Pelger, C. (2015). Twisting words? A study of the construction and reconstruction of reliability in financial reporting standard-setting, *Accounting, Organizations and Society*, 40(2): 13-40. https://doi.org/10.1016/j.aos.2014.11.001

Fan, L., Bass, E., Klein, H., Springfield, C., Pinkham, A. (2022). A preliminary investigation of paranoia variability and its association with social functioning, Schizophrenia Research: Cognition, 29(1): 100-133.

Glaser, B. G. (1992). Theoretical Sensitivity: Advances in the methodology of grounded theory. Mill Valley, Calif.: Sociology Press.

Hofstadter, R. (1965), The Paranoid Style in American Politics and Other Essays, Alfred Knopf, New York, NY.

Hu, L., Ma, H, L., Wang, L., Liu, Y. (2023). Hiding or disclosing? Information discrimination in member-only discounts, Transportation Research Part E: Logistics and Transportation Review, 171(2): 48-59. https://doi.org/10.1016/j.tre.2023.103026

John William, A., Suresh, M. and Subramanian, N. (2023). Examining the causal relationships among factors influencing SMEs' competitive advantage: a TISM-neutrosophic MICMAC approach, *Benchmarking: An International Journal*, https://doi.org/10.1108/BIJ-08-2022-0529

Lewis, L. and Abhishek, P. (2024). Managers as Paranoid Strategists: A Study of the Nature, Causes and Consequences of Competitive

Paranoia, *International Journal of Business and Management*, 8(24): 84-114. https://doi.org/10.5539/ijbm.v8n24p84

Lu, J. (2022) Limited Attention: Implications for Financial Reporting. http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3278995

Mirzaei, S., Abdoli, M., & Kooshki Jahrormi, A. (2020).The effect of pessimistic tone in financial reporting on aggressive financial reporting: Protection of shareholders' rights. *Financial Accounting Empirical Studies*, 17(65), 109–138. [in Persian].

Mohammadi, J., Jafari Dehkordi, H., & BaniTalebi Dehkordi, B. (2024).Designing a framework for the functions of paranoid reporting and examining its effect on shareholders' mental anchors. *Applied Research in Financial Reporting*, 13(1), 333–373. [in Persian].

Mohseni, A., & Rahnamay Roodposhti, F. (2020). Financial performance and writing tone management in financial reporting. *Empirical Research in Accounting*, 9(4), 29-48. [in Persian] https://doi.org/ 10.22051/jera.2017.10039.1286

Muniesa, F. (2022). *Paranoid Finance, Post-Print halshs*-03827920, HAL, Wiley, 1-276. https://doi.org/10.1353/sor.2022.0041

Murphy, T., O'Connell, V. and Ó hÓgartaigh, C. (2013). Discourses surrounding the evolution of the IASB/FASB conceptual framework: What they reveal about the 'living law' of accounting, *Accounting, Organizations and Society*, 38(1): 72-91. https://doi.org/10.1016/j.aos.2012.07.003

Pelger, C. (2020). The return of stewardship, reliability and prudence: a commentary on the IASB's new conceptual framework, *Accounting in Europe*, 17(1): 33-51.

Power, M. (2010). Fair value accounting, financial economics and the transformation of reliability, *Accounting and Business Research*, 40(3): 197-210. https://doi.org/10.1080/00014788.2010.9663394

Ravenscroft, S. and Williams, P.F. (2009). Making imaginary worlds real: the case of expensing employee stock options, *Accounting, Organizations and Society*, 34(6/7): 770-786.

Rostami, M., Abdolhosseini, M., & Eydi, Z. (2022).Herding behavior in industries listed on the Tehran Stock Exchange and the oil market. *Financial Research*, 24(4), 505–527. [in Persian].

Rutherford, B.A. (2023). The paranoid style in the sociology of financial reporting principles, *Meditari Accountancy Research*, https://doi.org/10.1108/MEDAR-08-2021-1393

Sahoo, P.S.B.B. and Thakur, V. (2023). Blockchainembedded supply chain finance solutions for Indian MSMEs: a TISM and MICMAC approach, *Journal of Business & Industrial Marketing*,

https://doi.org/10.1108/JBIM-06-2022-0264

Scheibelhofer, E. (2023). The Interpretive Interview. An Interview Form Centring on Research Participants' Constructions, *International Journal of Qualitative Methods*, 4(1): 56-79. https://doi.org/10.1177/16094069231168748

Schneiderman, D. (2016). The Paranoid Style of Investment Lawyers and Arbitrators: Investment Law Norm Entrepreneurs and their Critics, in Lim, C. (Ed.), Alternative Visions of the International Law on Foreign Investment: Essays in Honour of Muthucumaraswamy Sornarajah, Cambridge University Press, Cambridge, pp. 131-55. http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2670118

Short, J. L. (2012). The paranoid style in regulatory reform, Hastings Law Journal, 63(3): 633-694. https://repository.uclawsf.edu/hastings_law_journal/vol63/iss3/1

Speziale, H.S., Streubert, H.J. & Carpenter, D.R. (2011). Qualitative research in nursing: *Advancing the humanistic imperative*. Lippincott Williams &Wilkins.

Veltmeyer, J. and Mohamed, S. (2017). Investigation into the hierarchical nature of TQM variables using structural modelling, *International Journal of Quality & Reliability Management*, 34(4): 462-477. https://doi.org/10.1108/IJQRM-04-2015-0052

Wang, B. (2023). The impact of anchoring bias on financial decision-making: exploring cognitive biases in decision-making processes, *Studies in Psychological Science*, 1(2): 41-50. https://doi.org/10.56397/SPS.2023.09.04

Zare, I., Torkzadeh Mahani, A., & Fazeli, M. (2024). The effect of organizational paranoia on fraud in financial reporting system with the mediating role of organizational loyalty. *Advances in Accounting*, 16(1), 1–33. [in Persian].